



ارتباطات بین الملل

مدرس : ناهید خوشنویس

سال تحصیلی 1400/1399

دانشگاه علمی کاربردی واحد 15

تعریف ارتباطات بین الملل

ارتباطات بین الملل عبارت از جریان های ارتباطی است؛ که به مرزهای سیاسی، جغرافیایی و نژادی خاصی محدود نمی شود و فرایند ارتباط را در سطح جهان، براساس قراردادهای، قوانین و حقوق بین الملل ممکن می سازند

تاریخچه ارتباطات بین الملل

در بررسی سیر تاریخی این پدیده بایستی انتشار اخبار در مطبوعات را سرآغاز نقش ارتباطات جمعی در روابط بین الملل و شکل گیری ارتباطات بین الملل دانست.

گرچه نخستین نشریات چاپی، تجاری بودند، اما دولت های اروپایی از آنها بهره برداری سیاسی کرده و برای اولین بار، از حدود سال 1620، اخبار و اطلاعات سرزمین های دور در نشریات چاپ شد و دولت های اروپایی از راه انتشار و نظارت بر این اخبار و مقالات، به ترویج و ترغیب به سمت و سوی سیاست های مورد نظر خود پرداختند.

ابداع تلگراف موریس، تأسیس راه آهن و استفاده از ماشین چاپ، ماشین بخار و بهره برداری سیاسی و تجاری از سایر انواع ارتباطات؛ مانند تلفن، تأثیری عمیق بر روابط بین الملل و ارتباطات بین الملل گذاشت و این گونه از ارتباطات را وارد مرحله تحوّل جدیدی کرد.

در این میان، تلگراف و تلفن با غلبه بر زمان و مکان در برقراری ارتباطات صوتی و مکتوب، ارتباطات را در عرصه بین المللی، متحول کردند.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

در سال 1895 با اختراع دستگاه ارتباط بی‌سیم و رادیویی و استفاده از امواج برای انتقال پیام‌های گوناگون انسانی، انقلابی جدید در زمینه ارتباطات به‌وجود آمد و موقعیت انحصاری وسایل ارتباطی چاپی را از بین برد.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با تکمیل فنّ عکاسی و فیلمبرداری، ساختن صفحات ضبط صوت و دستگاه گرامافون و تهیه وسایل نمایش و انتقال عکس‌ها و تصویرهای متحرک از راه‌های دور، وسایل نوینی از جمله سینما و رادیو و تلویزیون برای ارتباطات بین‌الملل به‌کار گرفته شدند.

بشر در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، شاهد تحولات فنّ‌آورانه‌ای در عرصه ارتباطات بود؛ که با ورود رایانه به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر سیستم‌های ارتباطی به انقلاب اطلاعات و ارتباطات منتهی گردید

از جمله پژوهش‌گران عرصه‌ی ارتباطات بین‌الملل در نیمه دوم قرن 20 می‌توان به "ویلبر شرام" اشاره داشت.

به‌وقوع پیوستن دو رویداد جهانی در 1956 یعنی ورود تانک‌های شوروی به خاک "بوداپست"، برای سرکوب شورش مجارستانی‌ها و حمله به خاک مصر توسط انگلیس، فرانسه و اسرائیل، موجب شد، تا یکی از تحقیقات عمده‌ی شرام در حوزه ارتباطات بین‌الملل شکل گیرد و کتاب "یک روز در جهان مطبوعات"، توسط وی منتشر شود.

مطالعات شرام، موجب شد؛ تا حوزه‌ی مطالعات و ارتباطات بین‌الملل، به‌ویژه جریان‌ات و رویدادهای جهانی، که توجه بسیاری از پژوهش‌گران را در دهه‌ی 1980 به‌خود جلب کرده بود، گسترش یابد.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

در عصر حاضر، با انفجار اطلاعات و گردش سریع آن، در جزئی ترین ابعاد روابط فراملی، مولتی مدیا و بزرگراه های اطلاعاتی، به مثابه اجزای جدایی ناپذیر ارتباطات بین الملل در عرصه روابط بین الملل به شمار می روند.

ماهیت ارتباطات بین الملل

ارتباطات بین المللی، محصول تکنولوژی های جدید ارتباطی، انقلابی جهانی به شمار می رود، که به نابودی یا **کمرنگ شدن مرزهای ملی و تقویت هویت جهانی** و فرهنگ بین المللی، انجامیده است.

این گونه از ارتباطات که یک فراگرد بین المللی به شمار می رود، به مرزهای سیاسی، عرصه های جغرافیایی و سیستم های اقتصادی محصور نشده و حرکت و ترافیک اطلاعات، عقاید، ارزش ها و مواد ارتباطی را در سطح جامعه بین المللی در بر می گیرد.

این فراگرد، که بی توجه به هرگونه مرزبندی سیاسی و چهارچوب های جغرافیایی و تفاوت های اقتصادی به انتقال پیام می پردازد؛ نه از نظر محتوا و نه از نظر محل، صرفاً یک پدیده ی ملی نیست و حتی سیاست ها و برنامه های ارتباطی ملی را نمی توان بدون توجه به مسائل و میثاق های بین المللی طرح ریزی و اجراء نمود.

بنابراین دولت ها موظفند، با توجه به پیوستگی آن ها با پیوندهای بین المللی، که بخشی از پروسه ی **جهانی شدن** به شمار می رود، فعالیت خبرگزاری ها و فرستنده های رادیو-تلویزیونی در سطح بین الملل، تناسبات فرهنگی بین ملت ها در عرصه های گوناگون مانند سینما، مطبوعات و کتاب، ارتباطات ماهواره ای، امور پستی و مخابراتی و ... را شامل می شود.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

البته، شکل سنتی ارتباطات بین الملل، بر ارتباطات میان فردی گروه کوچکی از نخبگان ملی استوار

بود؛ اما فن آوری های نوین ارتباطی و ورود بازیگران غیر دولتی به عرصه دیپلماسی، باعث شده،

شیوهی تازه ای از دیپلماسی ایجاد شود؛ که به افکار عمومی توجه بیشتری نشان می دهد.

این جریان نوین اطلاعاتی، تحت عنوان دیپلماسی عمومی، با کمک فن آوری نوین ارتباطی رشد یافته

است

دیپلماسی

دیپلماسی یا روابط دیپلماتیک به دانش ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورهای جهان

گفته می شود.

به مقام های رسمی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی یک کشور نزد کشور یا سازمان بین المللی

پذیرنده «دیپلمات» می گویند.

در فرهنگ روابط دیپلماتیک، عالی ترین مقام سیاسی در نزد کشور میزبان را «سفیر» می نامند.

بررسی مفهومی دیپلماسی

دیپلماسی به عنوان فن اداره سیاست خارجی و یا تنظیم روابط بین الملل و حل و فصل اختلافات بین

المللی از راه های مسالمت آمیز تعریف می شود که در طول تاریخ و در اثر تحولات مربوط به جهانی

شدن و گسترش حوزه ارتباطات، از حالت محدود و مخفی خود امروزه به صورت روندی آشکار و

علنی درآمده است

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

اداره مناسبات دولت‌های برخوردار از حاکمیت از طریق نمایندگان مجاز آنها تعریف دیگر از دیپلماسی است که در دانشنامه روابط بین الملل از این مفهوم ارائه شده است.

در این تعریف دیپلماسی در بهترین تعبیر با نحوه اجرای سیاست خارجی دولت‌ها در ارتباط است و علاوه بر یکی از مهم‌ترین ابزارهای اجرای این سیاست، چهار چوبی اساسی در اختیار دولت‌هاست تا در همه گونه فعالیت غیرقهرآمیز بین المللی مشارکت کنند

بنابراین اگر دیپلماسی را هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین المللی و حل و فصل اختلافات بین المللی از طریق شیوه‌های مسالمت آمیز تعریف کنیم می‌توانیم آن را دانش ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورهای جهان نیز معنا کنیم.

در همین راستا به سیاستمداری که در کار دیپلماسی است، دیپلمات و کاری را که به دیپلماسی وابسته است، دیپلماتیک می‌خوانند. اقناع مهم‌ترین ابزار یک دیپلماسی است

در داشتن یک دیپلماسی موفق دیپلمات‌ها و سیاست‌گذاران خارجی یک دولت بایستی بتوانند افزون بر درک صحیح از منافع ملی و سلسله مراتب موجود میان این منافع از شیوه نحوه توزیع قدرت در نظام بین الملل، مقدورات و محدودرات محیطی، شناخت جایگزین‌های مناسب برای حصول به اهداف مشخص شده، درک شرایط و مقتضیات محیطی و... شناخت دقیق و جامعی داشته باشد.

دیپلماسی و سیاست خارجی

دیپلماسی یکی از ابزارهای اجرای سیاست خارجی دولت‌هاست و در روند بهره‌گیری از حربه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی دارای اهمیت بسیاری است.

از کارکردهای دیپلماسی می‌توان به تعیین حوزه منافع ملی، راه‌های پایان دادن به جنگ، شیوه‌های برقراری اتحاد و ائتلاف با دیگر دولت‌ها، کسب امتیاز، تعیین حوزه‌های نفوذ، شیوه‌های تشویق، تنبیه و یا تهدید اشاره کرد

بنابراین به رغم اینکه دیپلماسی تنها یکی از ابزارهای سیاست خارجی در میان عوامل (اقتصادی، نظامی و فرهنگی) به شمار می‌رود، اما در روند بهره‌گیری از حربه‌های اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی نیز کاربرد بسیار زیادی دارد.

در همین رابطه مورگنتا دیپلماسی را هنر مرتبط ساختن عناصر قدرت ملی به مؤثرترین شکل با آن دسته از ویژگی‌های شرایط بین‌المللی می‌داند که به منافع ملی مرتبط می‌شوند. بر اساس تعریف وی دیپلماسی به عنوان تدوین‌کننده و مجری سیاست خارجی، مغز متفکر قدرت ملی است.

بر این اساس دیپلماسی دارای چهار وظیفه اساسی است که شامل تعیین اهداف خود با توجه به قدرت باقوه و بالفعل، ارزیابی قدرت سایر کشورها، تعیین میزان سازگاری این اهداف و به کارگیری ابزار مناسب برای دستیابی به اهداف خود می‌شوند.

پیشنهاد پاداش و تهدید به مجازات از ابزارهای دیپلماسی به شمار می‌روند. این پیشنهادها می‌تواند

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

مستقیم و از راه کارگزاران سیاست خارجی و یا غیرمستقیم از طریق رسانه‌ها و واسطه‌ها انجام پذیرند.

دیپلماسی وسیله‌ای است که سیاست خارجی با استفاده از آن، به جای جنگ از راه توافق به اهداف خود می‌رسد و بر اساس این تعریف آغاز جنگ شکست دیپلماسی است؛ اما گروهی بر این اعتقادند که دیپلماسی در دوران جنگ و پس از آن نیز می‌تواند دوام داشته باشد

دیپلماسی آشکار و یا علنی:

به لحاظ تاریخی ویلسون رئیس جمهوری ایالات متحده در سال 1918 در نخستین اصل از اصول چهارده گانه خود برای اولین بار اصل دیپلماسی آشکار و یا علنی را مطرح کرد که همین رویه در جامعه بین الملل نیز رعایت شد؛ زیرا همه نشست‌های این جامعه افزون بر علنی برگزار شدن دربرگیرنده نمایندگان همه دولت‌های عضو نیز بود و خود این امر نمایانگر نوی پارلمان جهانی در آن زمان به شمار می‌رفت. امروزه نشست‌های رسمی و علنی سازمان ملل نیز نشانه و نمودی از دیپلماسی پارلمانی است

دیپلماسی پیشگیرانه:

در دوران پس از جنگ سرد مفهوم دیپلماسی پیشگیرانه و جلوگیری از درگیری به صورت عبارتی فراگیر برای اشاره به هرگونه فعالیتی از جمله کمک‌های توسعه گرفته تا فعالیت برای ترویج حقوق بشر، فعالیت‌های صلح بانی پیشگیرانه، حل و فصل تعارضات و صلح پروری پس از دوران جنگ و درگیری در یک کشور درآمد که هر بازیگری برای کاهش وقوع درگیری انجام می‌داد

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

پتروس عالی دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد در سال 1992 تعریفی بسیار کلی برای پیشگیری از درگیری تحت عنوان «دیپلماسی پیشگیرانه» ارائه داد.

منظور وی از این مفهوم اقدام برای جلوگیری از بروز اختلاف میان طرفین، جلوگیری از تشدید اختلافات موجود و تبدیل شدن آن به درگیری و در صورت بروز درگیری محدود ساختن دامنه آن بود.

از این گذشته وی مطلوب ترین و مؤثرترین شیوه به کارگیری این نوع از دیپلماسی را در کاهش تنش‌ها پیش از بروز درگیری و یا در صورت بروز درگیری اقدام سریع برای مهار آن و برطرف ساختن علل بنیادی درگیری می‌دانست؛ بنابراین دیپلماسی پیشگیرانه نیازمند تدابیری اعتماد زاست به هشدار به موقع بر اساس گردآوری اطلاعات و حقیقت یابی رسمی و یا غیررسمی نیاز دارد، همچنین ممکن است متضمن آرایش پیشگیرانه نیروها و در برخی موارد ایجاد مناطق غیرنظامی باشد؛ بنابراین این برداشتی بسیار فراخ از اقدام پیشگیرانه است که همه مراحل قابل تصور درگیری از پیشگیری تا حل و فصل آن را نیز در بر می‌گیرد

نیکولایدس در سال 1996 دیپلماسی پیشگیرانه را نوعی واکنش عملیاتی می‌دانست که بر ساختار مشوق‌هایی پایه می‌گیرد که بازیگران خارجی برای تغییر دادن انواع مشخصی از رفتار نامطلوب به طرف‌های درگیر می‌دهند؛

بنابراین دیپلماسی پیشگیرانه هدف دار و کوتاه مدت است و اقدام پیشگیرانه اتخاذ شده ارتباط مستقیمی با تغییراتی دارد که باید در روند جلوگیری از تشدید درگیری به وجود آیند.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

از این جهت بازیگران خارجی می‌توانند درصدد تأثیرگذاری بر سیر رویدادها برآیند و بکوشند از طریق تهدیدها و بازدارنده‌های اجباری و عملیاتی و با راهبردهای اقناع و ترغیب که با اجبار کمتری همراه است. رفتار مشخصی را تغییر داده و یا ایجاد کنند.

از نظر وی گاهی اوقات دیپلماسی پیشگیرانه شامل راهبردهای ساختاری و بلندمدت تری می‌شود که در اینجا هدف تغییر رفتار ستیزه جویانه در گذر زمان است. این تغییر رفتار می‌تواند با مشوق‌های نهادی مانند مشروط سازی عضویت در نهادهای بین المللی و یا تشویق به ایجاد توسعه پایدار، حمایت از امنیت انسانی و یا تشویق به ایجاد سازوکارهای اعتمادزای منطقه‌ای صورت گیرد

بررسی مفهومی دیپلماسی خط دو:

دیپلماسی به طور کلی در شکل سنتی خود محدود به دیپلماسی آشکار و پنهان بود؛ اما امروزه با تحولات مربوط به روابط بین الملل شاهد انواع دیگری از دیپلماسی از جمله دیپلماسی خط دو و دیپلماسی عمومی هستیم.

دیپلماسی خط دو

تعامل میان بازیگران جدید عرصه بین المللی را در کنار دولت‌ها در بر می‌گیرد، ناشناخته ترین و در عین حال رو به رشدترین نوع دیپلماسی در جهان امروز به شمار می‌رود.

این دیپلماسی به دیپلماسی‌ای گفته می‌شود که بازیگران آن را بخش غیر دولتی شکل داده و حوزه‌ها، موضوعات و عرصه‌هایی را در بر می‌گیرد که اغلب در گذشته متولی آنها دولت‌ها بوده اند

دیپلماسی عمومی:

با پایان جنگ سرد، شرایط جدید نظام بین الملل باعث شده است تا مؤلفه‌های جدیدی در ساختار جهانی نسبت به قبل نقش ایفا کنند. در این میان اولویت‌های اقتصادی در کنار اولویت‌های امنیتی برای دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی بسیار پراهمیت شده اند.

از سوی دیگر ظهور بازیگران جدید بین المللی در قالب شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های غیردولتی و یا حتی افراد در عرصه‌های گوناگون بین المللی کشورها را واداشته است تا در تحقق اهداف و منافع ملی خود از سیاست‌های جدید و ابزارهای جدیدی که منطبق با شرایط کنونی است، استفاده کند. یکی از مهم ترین این ابزارها استفاده از دیپلماسی عمومی در دستگاه سیاست خارجی است.

در این گونه از دیپلماسی تلاش عمده سیاست گذاران، ارتباط با مخاطب عام و نخبگان برای جهت دهی به افکار عمومی است

. در همین رابطه در تعریف دیپلماسی عمومی آژانس تبلیغات امریکا این گونه از دیپلماسی را درک توده‌های مردم کشور مخاطب، دادن پیام برای آنها، فعالیت به منظور تأثیرگذاری بر آنها و توسعه گفت و گو میان شهروندان و نهادهای یک کشور از یک سو و نهادهای کشور دیگر از سوی دیگر می‌داند که این امر بتواند به گونه‌ای باعث تقویت منافع ملی شود

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

در همین رابطه شاید بتوان دیپلماسی عمومی را مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جدید دیپلماتیک دانست که در خدمت دستگاه سیاست خارجی یک کشور قرار می‌گیرند و تلاش می‌کنند تا وجهه و تصویر یک کشور را در جهان و در نزد افکار عمومی بهبود بخشند.

هالستی در تعریف دیپلماسی عمومی بر این باور است که با توجه به تحولات شکل گرفته در عرصه سیاست بین الملل و همچنین نقش ارزش‌ها و هنجارها در سیاست خارجی و تأمین اهداف و منافع ملی، دولت‌ها از ابزارهای ارتباطی جدیدی در پیشبرد اهدافشان و همچنین گستره نفوذشان استفاده می‌کنند. در همین راستا امروزه از نظرهاالستی تقریباً همه حکومت‌ها می‌کوشند تا بر اعمال مردمان دیگر دولت‌ها تأثیر بگذارند.

به این معنا که امروزه دولت‌ها برای رسیدن به اهدافشان بایستی با اشخاصی ارتباط برقرار کنند که مایلند اعمال و رفتار آنها را متوقف کنند، تغییر دهند و یا سبب ادامه آن شوند

تیلر نیز در تعریف دیپلماسی عمومی بر این باور است که این گونه از دیپلماسی تلاش یک دولت برای برقراری رابطه با عموم جامعه دولت دیگر است تا طی این تلاش ارزش‌ها، ایستارها، فرهنگ‌ها، سیاست‌ها و عقاید خود را برای جامعه دیگر توضیح داده و بدین ترتیب رابطه، وجهه و شهرت خود را در جامعه مورد هدف بهبود بخشد

در فرهنگ واژگان روابط بین الملل وزارت امور خارجه امریکا در سال 1985 در تعریف دیپلماسی عمومی آورده شده است: «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. ابزار اصلی آنها نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو، تلویزیون و اینترنت است»

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

به طور خلاصه دیپلماسی عمومی می تواند به حوزه‌ای دسترسی پیدا کند که دیپلماسی سنتی نمی تواند. در این دیپلماسی بخشی از مخاطبان افراد و نهادهای غیردولتی هستند که برقراری ارتباط با آنها نیازمند مهارت‌های خاص خود است.

از مهم ترین ویژگی‌های دیپلماسی عمومی شفافیت و تلاش برای انتشار اطلاعات است در حالی که در دیپلماسی سنتی ابهام ویژگی مهمی به شمار می رود

یکی از مسائل مهم در دیپلماسی عمومی **مسئله شناخت مخاطبان** است، از همین رو دیپلماسی عمومی در کشورهای مختلف کاملاً متفاوت است. به این معنا که بسته به مخاطبان مورد نظر در کشورهای مختلف، ابزارهای رسانه‌ای و شکل و محتوای پیام متفاوت است؛ برای مثال در کشورهای عربی می توان از اینترنت برای برقراری ارتباط با مخاطب استفاده کرد، اما در کشورهایی چون پاکستان و یا افغانستان که سطح سواد و دسترسی به ابزارهای ارتباطی پایین است، باید بر تقویت برنامه‌های رادیویی و تا حدی تلویزیونی تأکید شود.

بنابراین در این گونه از دیپلماسی که بخش دولتی و بخش خصوصی همراه یکدیگر عمل می کنند، تلاش عمده سیاست گذاران ارتباط با مخاطب عام و افکار عمومی است تا بتواند پیام مورد نظر خود را منتقل کرده و بر تصمیم سازان تأثیر گذاری مطلوب را ایجاد کند

به طور کلی اگر دیپلماسی عمومی را ارتباطات معطوف و منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی تعریف کنیم، با این تعریف مسائلی از قبیل اعزام دانشجویان به خارج، پذیرش بورس‌های تحصیلی، خبرنگاران اعزامی، فرایند ارتباطات میان فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری، همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی، پخش برنامه‌های صوتی و تصویری و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی همه و همه در حوزه دیپلماسی عمومی قابل بحث است

بررسی رابطه مفهومی دیپلماسی عمومی و قدرت نرم

البته در فهم کامل دیپلماسی عمومی باید به ارتباط این مفهوم با مفاهیمی چون قدرت نرم، تبلیغات و دیپلماسی فرهنگی و یا فرهنگ در سیاست خارجی توجه بسیار داشته باشیم. در همین رابطه به بیان نای قدرت نرم یکی از منابع دیپلماسی عمومی محسوب می‌شود. وی بر این باور است که اگر قدرت نرم نشئت گرفته از فرهنگ و ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی یک دولت در نظام بین الملل است، دیپلماسی عمومی ابزاری در دست حکومت‌ها برای بسیج منابع قدرت نرم به منظور ارتباط گرفتن با مردم سایر کشورها و جلب نظر آنها و نه صرفاً حکومت‌هایشان است؛ بنابراین یک دولت در دیپلماسی عمومی موفقیت آمیز خود قادر به درهم آمیختن منافع دیگران با منافع خود است و در این فرایند حتماً باید بتواند از عملیات روانی و یا عملیات اطلاعات پایه در جهت شناخت عمیق سایر فرهنگ‌ها و عواملی استفاده کند که می‌تواند به نوعی محرک رفتار انسان‌ها شود

بنابراین دیپلماسی عمومی از منابع و امکانات قدرت نرم بهره می‌برد و موجب تقویت آن می‌شود. به این بیان دیگر اگر دیپلماسی عمومی بتواند در بین دیگر ملل جهان جذابیت ایجاد کند، می‌تواند در شکل‌گیری و یا تقویت قدرت نرم در درون کشور مبدأ نیز مؤثر باشد؛ بنابراین دیپلماسی عمومی با استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم به دنبال متقاعد کردن دیگران به تبعیت از هنجارها و نهادهایی است که رفتار مطلوب را ایجاد می‌کنند

بررسی رابطه مفهومی دیپلماسی عمومی و تبلیغات

افزون بر ارتباط مفهومی نزدیک میان قدرت نرم و دیپلماسی عمومی، این گونه از دیپلماسی با تبلیغات نیز دارای ارتباط نزدیکی است.

در همین رابطه نای معتقد است دیپلماسی عمومی شامل برقراری روابط بلندمدت با مردمان کشور مخاطب است که محیطی مستعد را برای سیاست خارجی یک حکومت فراهم می کند. بنابراین تبلیغات اگر بتواند اعتماد مخاطب را جلب کند، یکی از کارویژه‌های دیپلماسی عمومی است. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که دیپلماسی عمومی مبتنی بر تفاهم و علایق متقابل است و تبلیغات تنها ابزاری برای پیشبرد این گونه از دیپلماسی است. بنابراین میان مفهوم دیپلماسی عمومی و تبلیغات نقاط افتراق خاصی وجود دارد؛ به عنوان مثال ابزار استفاده شده و قابل استفاده برای تبلیغات غالباً رسانه‌های جمعی و غیرشخصی هستند. این در حالی است که در دیپلماسی عمومی افزون بر رسانه‌های جمعی از ارتباطات شخصی، تشکیل کنگره‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها و نظایر آن، ارائه بورس‌های دانشجویی و ... استفاده می‌شود. از سوی دیگر مخاطب برای تبلیغات غالباً گزینشی و محدود است، اما مخاطبان دیپلماسی عمومی غالباً مردم، دولت مردان، شاغلان در اتاق‌های فکر و نخبگان هستند.

نکته آخر آنکه الگوی ارتباطی در تبلیغات معمولاً یک طرفه، ارسال پیام در آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم و غالباً به دنبال تأثیرگذاری کوتاه مدت و زودگذر است، در حالی که در دیپلماسی عمومی الگوی ارتباطی دوطرفه بوده و غالباً به دنبال تأثیرگذاری بلند مدت و پایدار است

بررسی رابطه مفهومی دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی

افزون بر تبلیغات میان دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی نیز ارتباط بسیار نزدیکی وجود دارد.

در واقع دیپلماسی فرهنگی و فعالیت‌های فرهنگی می‌توانند در خدمت دیپلماسی عمومی قرار گیرند.

در همین رابطه فرهنگ در سیاست خارجی که برخی آن را دیپلماسی فرهنگی نیز می‌نامند به عنوان تبادل عقاید، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ در میان ملت‌ها به منظور پرورش رشد چند جانبه تعریف می‌شود

بررسی رابطه مفهومی دیپلماسی عمومی و جهانی شدن

دیپلماسی عمومی با مفهوم جهانی شدن نیز دارای ارتباط بسیار نزدیکی است و به عبارت دیگر در چهارچوب مباحث مربوط به جهانی شدن نیز قابل درک است.

در همین رابطه چنانچه ماهیت جهان کنونی را ترکیبی از جهانی شدن و دموکراسی بدانیم که شامل دسترسی آزادانه به اطلاعات نیز می‌شود،

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی و جدید جهانی سه فرض اصلی در اهمیت کاربرد دیپلماسی عمومی برای دولت‌ها مطرح می‌شود؛

اول آنکه دولت‌ها در قرن بیست و یکم دیگر نمی‌توانند مشکلات سیاست خارجی خود را به تنهایی حل کنند، بلکه نیازمند حمایت و عملکرد بخش غیردولتی نیز هستند.

{رتباطات بین الملل} {به نام خدا} {ناهید خوشنویس}

دوم آنکه شهروندان هر دولتی امروزه خواهان مسئولیت پذیری و شفافیت هر چه بیشتر دولت‌ها

هستند

و نهایتاً سوم آنکه امروزه سیاست خارجی و سیاست داخلی به شدت در هم تنیده شده‌اند و دیگر

نمی‌توان هر یک را جداگانه تعریف کرد

بنابراین با توجه به شرایط جدید ناشی از جهانی شدن و انقلاب اطلاعات و ارتباطات، دیگر دولت‌ها نمی‌توانند بر پنهان کاری و عدم شفافیت موجود در دیپلماسی سنتی تکیه کنند؛ بنابراین مهم‌ترین ویژگی دیپلماسی عمومی شفافیت و تلاش برای انتشار اطلاعات است.

ویژگی دیگر همان گونه که قبلاً هم بیان شد آن است که در این گونه از دیپلماسی دولت‌ها در تلاش ارتباط برقرار کردن با توده‌های مردم و افکار عمومی مخاطب خود هستند؛ چرا که آنها در پی آن هستند تا با تحت تأثیر قرار دادن شهروندان یک کشور و تغییر نگرش آنها بر رفتار و سیاست‌های آن دولت در جهت اهداف و منافع ملی خود تأثیر بگذارند، این در حالی است که دیپلماسی سنتی عمدتاً بر پایه رابطه دولت با دولت قرار دارد از سوی دیگر نتایج حاصل از دیپلماسی سنتی می‌تواند در کوتاه مدت حاصل شود.

این در حالی است که دیپلماسی عمومی زمان بر و نتایج آن در میان مدت و یا بلند مدت ظاهر می‌شوند، اما دارای اثرات به نسبت ماندگارتری نسبت به دیپلماسی سنتی است

بررسی رابطه مفهومی دیپلماسی عمومی و جنگ روانی

جنگ روانی در آیین نامه رزمی ارتش امریکا در 1955 به عنوان استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی تعریف شده است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا دوست است

بنابراین جنگ روانی بخشی از جنگ فیزیکی است که در وجود دشمن با یکدیگر تشابه دارند؛ به عبارت دیگر جنگ روانی مجموعه اقدام‌های تبلیغی روانی یک کشور با یک گروه به منظور اثرگذاری و نفوذ بر عقاید و رفتار دولت‌ها و مردم در جهت مطلوب است. با این حال نقش مخاطب در باور کردن و یا نکردن اطلاعات ارائه شده در قالب جنگ روانی چندان دارای اهمیت نیست و بدون توجه به واکنش‌های مخاطبان اطلاعات مورد نظر که دارای جهت‌گیری خاصی نیز هستند به مخاطب ارائه می‌شوند

بنابراین جنگ روانی با قدرت نرم و دیپلماسی عمومی دارای تفاوت‌های مهمی است. در جنگ روانی که دنباله جنگ فیزیکی است، همه طرح‌ها و برنامه ریزی‌ها در قالب دشمن سازی دنبال می‌شوند. از سوی دیگر معمولاً مدت زمان جنگ روانی و سیاست‌هایی که در قالب آن استفاده می‌شوند، کوتاه مدت است و لذا استفاده از اطلاعات غلط و ضداطلاعات می‌تواند در کوتاه مدت مورد استفاده قرار گیرد.

این در حالی است که اطلاعات فریب و ضداطلاعات تخریب کننده و مخدوش کننده قدرت نرم و دیپلماسی عمومی اند.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

یکی دیگر از وجوه افتراق جنگ روانی با دیپلماسی عمومی در آن است که مخاطب معمولاً در جنگ روانی نظامیان، سربازان، افسران و نیروهای پشتیبانی دشمن هستند و هدف اصلی نیز تأثیر گذاری بر دشمن، نیروهای بی طرف و تضعیف کردن روحیه دشمن و عمدتاً تخریب وجهه دشمن به جای تلاش برای مثبت نشان دادن وجهه خود است که در دیپلماسی عمومی بسیار مورد تأکید قرار دارد

بررسی آثار دیپلماسی در روابط بین الملل

در مورد آثار دیپلماسی عمومی نیز می توان این گونه بیان کرد که این گونه از دیپلماسی در کشورهای مختلف دارای آثار گوناگونی است؛ به عنوان مثال در جوامعی که نهادهای مدنی حضوری فعال دارند، هزینه های دیپلماسی عمومی کمتر و آثار آن نیز بیشتر است.

در مقابل، در کشورهایی که ساختار سیاسی متمرکزی حاکم است، به دلیل آنکه دیپلماسی عمومی دارای هزینه های بیشتری است، این گونه از دیپلماسی در حاشیه دیپلماسی سنتی و یا در ادامه آن مطرح می شود و دارای تأثیرات کمتری نیز است

کارکردهای ارتباطات بین الملل

برخی از کارکردهای امروز ارتباطات بین الملل را می توان این گونه دانست:

1. اقناع افکار عمومی و توجیه سیاست ها؛

ارتباطات بین الملل در عرصه روابط بین الملل نقش مهمی ایفا می کند. کشورها سعی می کنند با ابزار رسانه ای و ارتباطی بین المللی، به اقناع افکار عمومی و توجیه سیاست های خارجی خود پرداخته و این گونه منافع و اهداف ملی خود را در صحنه ی بین المللی دنبال کرده و جایگاه خود را در نظام بین الملل ارتقاء دهند؛ چراکه امروزه برخلاف گذشته، به جای برتری نظامی، توانایی یک کشور در استفاده از رسانه ها قدرت جهانی یک کشور را تعیین می کند.

2. وسیله ای در مسیر جهانی شدن؛

ارتباطات بین الملل در عین اینکه بارزترین و روشن ترین وجه فرایند جهانی شدن محسوب می شود، به عنوان یک ابزار در دست قدرت های بزرگ در جریان پروژه ی جهانی شدن و ایجاد نظم نوین جهانی، به انگیزه ی سلطه بر جهان، ایفای نقش می کند. امروزه، آمریکا به عنوان بزرگترین قدرت سیاسی سعی دارد، با در اختیار گرفتن رسانه های بزرگ دنیا، نظم جهانی را به صورت یک قطبی و تحت کنترل خود رقم بزند.

3. دسترسی آسان به اطلاعات

اجزاء تشکیل دهنده ارتباطات بین الملل

سیستم ارتباطات بین الملل از زیرسیستم‌ها و اجزائی ساخته شده، که باهم متناسب، مرتبط و متعامل هستند. اندام‌های اصلی این سیستم عبارتند از:

1. خبرگزاری‌های بین‌المللی؛

مراد، خبرگزاری‌هایی هستند که اخبار خام را از سراسر جهان جمع‌آوری و بعد از پرورش آن‌ها، مجدداً در سراسر جهان منتشر می‌کنند.

امروزه چهار خبرگزاری آسوشیند پرس (آمریکا)، یونایتدپرس (آمریکا)، رویترز (انگلیس) و فرانس پرس (فرانسه) در چین قلمرویی فعالیت می‌کنند.

اخبار فعلی جهان نیز غالباً از طریق این خبرگزاری‌ها تأمین شده و خبرگزاری‌های هر کشوری از جمله مشترکان این خبرگزاری‌ها به‌شمار می‌روند.

2. رسانه‌های ملی و محلی؛

مراد، رسانه‌هایی هستند که در سطح یک کشور یا بخشی از یک کشور فعالیت می‌کنند، اعم از خبرگزاری‌ها، مطبوعات، رادیو و تلویزیون.

3. رسانه‌های منطقه‌ای؛

مراد، رسانه‌هایی هستند که از نظر منشأ، متعلق به یک کشور خاص، ولی دارای حوزه نفوذ منطقه‌ای هستند. مهمترین رسانه‌های منطقه‌ای کنونی عبارتند از: خبرگزاری آلمان، کیودو (ژاپن) و اسپانیا

رابطه ارتباطات بین الملل و روابط بین المللی

تعریف روابط بین الملل

دولتها، سازمانها و نهادهایی که جامعه بین المللی را می سازند، دارای روابط و مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند که بیانگر روابط متقابل آنهاست؛ آن گونه که این روابط می تواند به صورتهای روابط دوستانه (همکاری)، رقابت و تعارض آمیز (ستیز یا مناقشه) باشد. اصطلاح روابط بین الملل به مجموعه اقدامات و کنشهای متقابل واحدهای حکومتی و نیز نهادهای غیر دولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملتها اطلاق می شود. قلمرو دانش روابط بین المللی بسیار گسترده و وسیع است.

همان طوری که از تعریف فوق پیداست، تمامی داد و ستدها و تعامل بین واحدهای سیاسی (دولتها) و سازمانهای بین المللی و مؤسسات غیر دولتی، در حوزه بررسی و مطالعات این علم قرار می گیرد از این رو، روابط سیاسی، کنسولی، اقتصادی، بازرگانی، فرهنگی، نظامی، استراتژیک، دوستی و همجواری، اطلاعاتی و خبری و روابط با سازمانهای بین المللی، موضوعات مهم روابط بین الملل می باشند. بعلاوه، روندها و نظامهای حاکم بر جامعه بین المللی مانند موازنه قوا و نظام دو قطبی، نیز در این رشته مورد بررسی قرار می گیرد..

مجموعه اقدامات و کنشهای متقابل واحدهای حکومتی و نهادهای غیر دولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملتها را روابط بین الملل می گویند

نظریه پردازی درباره روابط بین الملل را می توان تا یونان و هند باستان و سپس در قرون وسطی و دوران مدرن (از رنسانس تا دوران روشنگری و بعد از آن) دنبال کرد.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

البته عده‌ای که روابط بین‌الملل را بر اساس روابط میان واحدهای ملی تعریف می‌کنند، این پدیده و مطالعه آن را به جهان "وستگالیایی"؛ یعنی از سال 1648 به بعد نسبت می‌دهند. پایه‌های اساسی روابط بین‌الملل، بعد از پیدایش سیستم کشوری در اروپا در قرن هفدهم و بعد از قرارداد 1648 وستگالیا ریخته شد و با انقلاب کبیر فرانسه در سال 1789 تکامل یافت

پدیده روابط بین‌الملل در دهه سوم قرن بیستم، ابتدا به‌عنوان یک رشته دانشگاهی در دانشگاه‌های آمریکا مثل هاروارد و کلمبیا و بعد از جنگ جهانی دوم شکل مشخص تری به خود گرفت. دانشمندان این رشته چهارچوب‌های مفهومی متفاوت خود را براساس مبانی فرانظری مختلف ارائه کردند. از اواخر دهه 1930، وجود تعارض در دیدگاه‌های نظری در این حوزه مورد توجه قرار گرفت و به یکی از مشخصه‌های پایدار رشته روابط بین‌الملل تبدیل شد.

ارتباطات بین‌الملل که ناظر به فعالیت رسانه‌های بین‌المللی است، به‌عنوان یک وسیله، مورد استفاده بازیگران حوزه‌ی روابط بین‌الملل، که عرصه امور سیاسی است، قرار می‌گیرد و بازیگران دولتی و غیردولتی این عرصه، با بهره‌گیری از رسانه‌های بین‌المللی، سعی در پیشبرد اهداف و منابع خود دارند.

تحوّلات سریع در حوزه ارتباطات، بر مطالعات و تحقیقات مربوط به ارتباطات، اثرات بسیاری در روابط بین‌المللی گذارده و افق‌های جدیدی را در مسائل آن گشوده است.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

از جمله عوامل اثرگذار در این تحولات، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. توسعه فن آوری های نوین اطلاعات و ارتباطات، به کارگیری آن ها و تأثیری که بر ماهیت و محتوای اطلاعات و ارتباطات داشته اند.
2. ازدیاد روزافزون بازیگران صحنه بین المللی جریان فراملی در جهان اطلاعات، با انشعابات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به ویژه در توجهی که به زمینه های تجاری، بازاریابی، آموزش و فرهنگ آن داشته اند.
3. علاقه ی فزاینده ای که در مطالعات مقایسه ای؛ از قبیل افکار عمومی و تصویرها، به مدد دقت ابزارها، پیشرفت و توسعه وسایل جمع آوری، تنظیم، بازیافت و تخصیص داده ها، وجود دارد.
- 4- در روابط بین الملل ماهیت فعالیتها ، نظامی گری است اما در عرصه ارتباطات بین الملل دستیابی به صلح جهانی مورد نظر است.
- 5- شکل اجرایی فعالیتها در روابط بین الملل به صورت هرمی و از بالا به پایین است، در صورتی که در ارتباطات بین الملل به علت حضور بازیگران متعدد و عدم توزیع توازن این بازیگران شکل اجرایی از منطق خاصی تبعیت نمی نماید.

تفاوت روابط بین الملل با ارتباطات بین الملل

1- قدرت:

در عرصه جهانی لفظی کاملاً سیاسی است. اما در ارتباطات بین الملل موضوع فرا قدرت مطرح می شود.

2- بازیگران:

در عرصه روابط بین الملل بازیگران اصلی دولتها هستند، اما در ارتباطات بین الملل بازیگران نه تنها دولتها، بلکه احزاب، سازمانها، نهادها و یا حتی نخبگان جهانی نیز موثرند.

3- در روابط بین الملل ماهیت فعالیتها، نظامی گری است اما در عرصه ارتباطات بین الملل دستیابی به صلح جهانی مورد نظر است.

4- شکل اجرایی فعالیتها در روابط بین الملل به صورت هرمی و از بالا به پایین است، در صورتی که در ارتباطات بین الملل به علت حضور بازیگران متعدد و عدم توزیع توازن این بازیگران شکل اجرایی از منطق خاصی تبعیت نمی نماید.

خبرگزاری

خبرگزاری ها رکن اساسی در فرایند خبر رسانی و محور مباحث مربوط به مقوله تخصصی تولید خبر به شمار می روند.

در سال های اخیر، گسترش موسسه ها و پایگاه های اینترنتی که خود را «خبرگزاری» معرفی می کنند، باز شناخت مفهوم، سازمان و طرز کار خبرگزاری ها را ضروری کرده است.

به نظر می رسد که چنین شناختی می تواند در ایجاد نگرش حرفه ای به مقوله تولید خبر موثر واقع شود.

از نظر لغوی، واژه «خبرگزاری» یک اسم مرکب است که از دو بخش عربی و فارسی تشکیل شده و معنای آن «ابلاغ و رسانیدن خبر»، «اطلاع و گزارش دادن خبر» و «عمل خبر گزار» است.

دهخدا در فرهنگ لغت خود بین خبرگزاری و خبر گزار تفاوت قائل می شود

و خبرگزاری را «عمل مخبر» و خبر گزار را «مخبر» می نامند

دکتر یونس شکرخواه ، استاد ارتباطات نیز می گوید:

«خبرگزاری به مفهوم کلاسیک آن یک سازمان تخصصی محلی، ملی و بین المللی برای گرد آوری و توزیع خبر است که ماموریت تولید و توزیع خبر برای روزنامه ها ، مجلات و سازمان های رادیویی و تلویزیونی را بر عهده دارد.

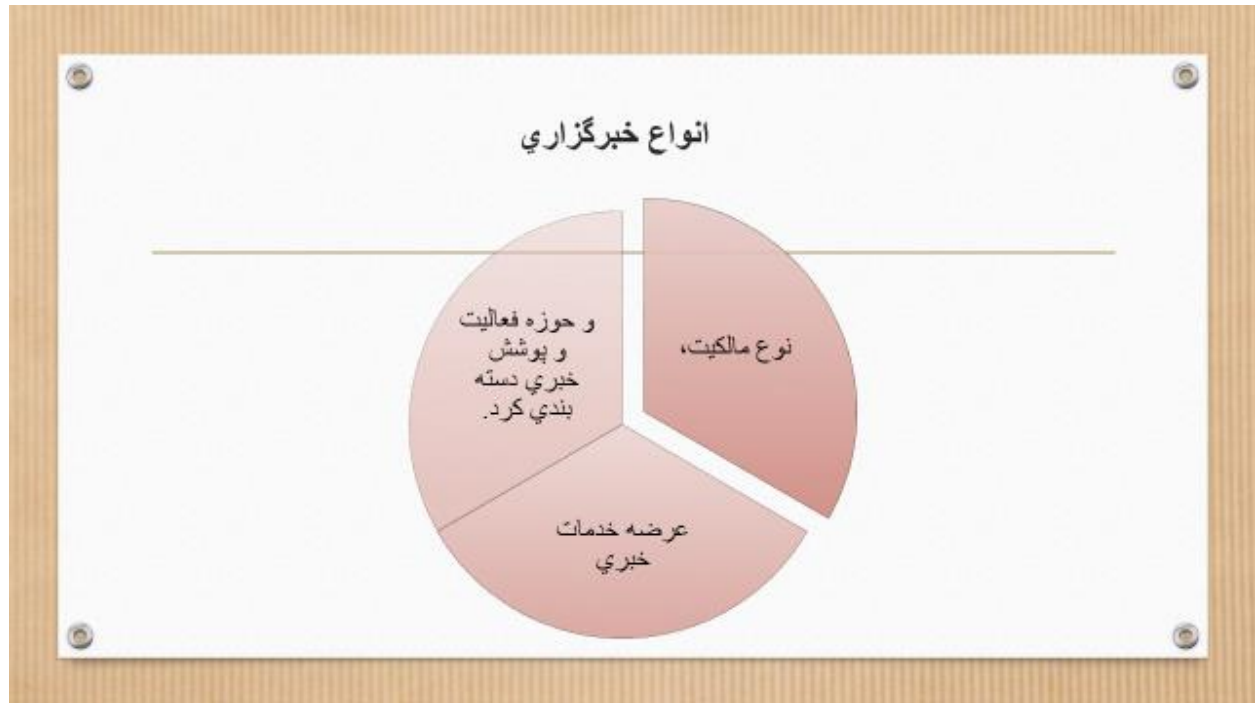
{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

خبرگزاری‌ها منابع اولیه هستند و برای منابع ثانویه (روزنامه‌ها، مجلات و ...) خبر تولید می‌کنند. آنها تولید کننده مواد خام خبری هستند و پردازشگر اخبار دیگران محسوب نمی‌شوند.»

شکرخواه می‌گوید :

«در سال‌هایی که اینترنت وجود نداشت خبرگزاری‌ها خبرها را به صورت رول خبری و در کاغذ به خبرنگاران و روزنامه‌ها ارسال می‌کردند

اما بعد از اینکه خبرگزاری‌ها صاحب سایت شدند باند محدود آن‌ها از روزنامه‌نگاران و روزنامه‌ها روی باند پهن تری قرار گرفت و خود خبرگزاری‌ها صاحب خواننده شدند و حتی طراحی نیز برای آن‌ها مهم شد، بنابر این رفتار خبرگزاری‌ها به رفتار رسانه‌های جمعی نزدیک‌تر شد.»



نوع مالکیت:

برخی، مهمترین عامل تمایز خبرگزاری ها را ساختار مالکیت آنها می دانند و درباره فعالیت ها و خدمات خبرگزاری ها نیز بر مبنای شکل مالکیت آنها قضاوت می کنند که بنابر این، خبرگزاری ها به سه گروه تقسیم می شوند:

1. * خبرگزاری های خصوصی، با مالکیت یک فرد یا سازمان

2. * تعاونی با مالکیت گروهی از سازمان های رسانه ای

3. * خبرگزاری های دولتی

عرضه خدمات خبری:

خبرگزاری ها از نظر عرضه خدمات خبری نیز به سه گروه تقسیم می شوند:

1. * خبرگزاری هایی که اخبار خود را به فروش می رسانند. مانند: رویترز
2. * خبرگزاری هایی که به صورت مشترک از روزنامه هایی تشکیل شده اند که مقالات خبری خود را با یکدیگر سهیم می شوند. مانند: آسوشیتدپرس
3. * خبرگزاری های تجاری که از سازمان های خاصی برای انعکاس اخبار آنها مبالغی دریافت می کنند.

حوزه فعالیت و پوشش خبری

خبرگزاری ها را از نظر حوزه فعالیت و پوشش خبری هم تقسیم بندی می کنند:

1. * خبرگزاری های جهانی که گرد آورنده و منتشر کننده خبرها در سراسر جهان هستند.
مانند: فرانس پرس
2. * خبرگزاری های ملی که کار توزیع خبرها را در داخل یک کشور و نیز انتشار خبرهای داخلی برای خارج از کشور را به عهده دارند.
3. * خبرگزاری هایی که از چند سازمان خبری چند ملیتی تشکیل می شوند و به مبادله اطلاعات و اخبار می پردازند.

در ایران

راه اندازی خبرگزاری ها در ایران پیشینه ای 70 ساله دارد و از این رو کشورمان را می توان از جمله ملل پیشرو در جهان سوم در این زمینه دانست که تجربیات طولانی را پشت سر گذاشته است.

خبرگزاری پارس، نخستین آژانس خبری در ایران است که در سال 1313 توسط وزارت امور خارجه و در جایگاه یک مرکز خبری ملی و رسمی تاسیس شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال 1360 نام خبرگزاری فارس به خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران " ایرنا " تغییر یافت.

این خبرگزاری منبع رسمی و مورد استناد مطبوعات داخلی و خبرگزاری های بین المللی به شمار می رود.

واحد مرکزی خبر از دیگر خبرگزاری های نسبتاً قدیمی ایران محسوب می شود که سابقه ای بیش از 30 سال را یدک می کشد. این سازمان خبری دی 1350 با عنوان خبرگزاری رادیو و تلویزیون ملی ایران کار خود را آغاز کرد و سپس در سال 1355 با گروه تحقیق ادغام شد و تشکیلات واحد مرکزی خبر به وجود آمد.

واحد مرکزی خبر بیشتر به تغذیه بخش های خبری رادیو و تلویزیون پرداخته و اخبار آن در سطح رسانه های مکتوب با برد بسیار کمی رو به روست.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

در آذر سال 1378 خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا پا به میدان گذاشت و پس از مدتی به یکه تازی ایرنا پایان داد و توانست جایگاه مناسبی در عرصه خبری کشور برای خود دست و پا کند.

پس از راه اندازی ایسنا، تب راه اندازی خبرگزاری در ایران بالا گرفت به طوری که اکنون نزدیک به 23 خبرگزاری در کشور ایجاد شده و یا در حال راه اندازی است.

فارس، مهر، میراث، ایپنا، شانا، پانا، موج، قسط، سینا، ایگنا، شبستان و ... که مهمترین ویژگی ها این خبرگزاری ها و اشتراک آنها به جز دو خبرگزاری قدیمی انتشار اخبار بر روی اینترنت است.

خبرگزاری پتروشیمی ایران | ایپنا

شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی - شانا

خبرگزاری پانا | Pupils Association News Agency

خبرگزاری پانا، رسانه وزارت آموزش و پرورش

سینا پرس - خبرگزاری علم و فرهنگ | sinapress- Science News

iqna.ir | خبرگزاری بین المللی قرآن



معرفی خبرگزاری های بزرگ جهان

خبرگزاری مجموعه‌ای است که رسالت اولیه و اصلی آن عرضه و ارایه‌ی اخبار و گزارش‌های خبری به روزنامه‌ها، مجلات و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی است. خبرگزاری‌ها به صورت‌های مختلفی می‌توانند نمود پیدا کنند. بعضی خبرگزاری‌ها به صورت یک شرکت تجاری اداره می‌شوند که یکی از وظایف آن‌ها ارسال اخبار است؛ مثل خبرگزاری رویترز؛ بعضی دیگر تعاونی‌هایی متشکل از صاحبان روزنامه‌ها هستند که این افراد مقالات و اخبار یکدیگر را با هم مبادله می‌کنند، مثل خبرگزاری آسوشیتدپرس و بعضی دیگر خبرگزاری‌های دولتی هستند که در بسیاری از کشورها وجود دارند. خبرگزاری‌ها عموماً گزارش‌ها، مقالات و اخباری را تهیه می‌کنند که می‌تواند با تغییراتی اندک و یا به همان صورت توسط سازمان‌های خبری دیگر مورد استفاده قرار گیرند.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

خبرگزاری‌ها بسیاری از این گزارش‌ها، تحلیل‌ها و اخبار خود را به دیگر سازمان‌های خبری می‌فروشند. آن‌ها تولیدات خبری خود را از طریق سیستم‌های مخابراتی که در گذشته تلگراف بود و در حال حاضر عمدتاً اینترنت است، مخابره می‌کنند.

1) خبرگزاری فرانسه

Agence France-Presse-AFP

قدیمی‌ترین خبرگزاری دنیا، بزرگترین خبرگزاری فرانسه و سومین خبرگزاری بزرگ در سراسر جهان است. مرکز آن در پاریس است و مراکز منطقه‌یی آن نیز در واشنگتن، هنگ‌کنگ، نیکوزیا و حضوری فعال و در 110 کشور نیز AFP مونت‌ویدئو قرار دارد. در 165 کشور جهان خبرنگاران دفتر دارد. این خبرگزاری به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، عربی، اسپانیایی، آلمانی، پرتغالی و روسی اخبار خود را به سراسر جهان مخابره می‌کند. خبرگزاری فرانسه به عنوان قدیمی‌ترین خبرگزاری در سال 1835 توسط چارلز لوئیس هاواس، پدر روزنامه‌نگاری جهانی، تاسیس شد. امروزه این خبرگزاری به توسعه‌ی فعالیت جهان‌گستر خود ادامه می‌دهد و دارای شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی، روزنامه‌ها و شرکت‌های متعلق به خود است.

خبرگزاری فرانسه نیز به عنوان یک خبرگزاری رسالت‌هایی همانند آنچه که ذکر شد، دارد. این خبرگزاری یک شرکت مستقل و غیر دولتی است که فعالیت مستقل و غیر دولتی خود را در نیمه‌ی اول قرن 19 آغاز کرد.

خبرگزاری فرانسه یک شورای عالی نیز دارد که کاملاً مستقل و بی طرف اداره می‌شود و وظیفه‌ی آن نظارت بر انطباق عملکرد این خبرگزاری با قوانین آن می‌باشد.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

مهمترین و اولین مشتری دولت فرانسه است که تولیدات خبری این خبرگزاری را برای سرویس‌های مختلف خود خریداری می‌کند

خبرگزاری فرانسه حدود بیش از 2000 کارمند دارد که 900 نفر آن‌ها خارج از فرانسه در حال فعالیت هستند. این خبرگزاری روزانه حدود 400 تا 600 هزار کلمه خبر متنی، 700 عکس خبری و 50 گرافیک و طرح خبری تولید می‌کند

2) خبرگزاری رویتر

شرکتی است که عمدتاً اطلاعات بازارهای مالی جهان و رسانه‌های خبری را به همراه یک رشته از محصولات اطلاعاتی و راه‌حل‌های معاملاتی از جمله داده‌ها، اطلاعات، تحقیقات و تحلیل‌هایی درباره‌ی اوضاع فعلی بازار و اوضاع گذشته‌ی آن، اوضاع معاملات مالی، داده‌هایی درباره‌ی سرمایه‌گذاری و تحلیل اخبار در قالب متن، ویدئو، گرافیک و عکس را به مشتریان و مخاطبان خود ارائه می‌دهد. در اکتبر ۱۸۱۵، پل جولیوس رویتر، یک مهاجر آلمانی تبار، اداره‌ای در شهر لندن تاسیس کرد که قیمت‌های بازار سهام را بین لندن و پاریس از طریق کابل مخابراتی جدید انتقال می‌داد.

رویتر به عنوان یک آژانس به زودی معروف شد، به طوری که پس از مدتی خدمات خود را به دیگر کشورهای اروپایی گسترش داد. همچنین، دایره‌ی فعالیت خود را به حوزه‌ی تبادل اخبار اقتصادی و غیراقتصادی در سراسر جهان گسترش داد.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

شهرت خدمات‌دهی رویتر از طریق موفقیت در مخابره‌ی متوالی اخبار و گزارش‌ها درباره‌ی اوضاع مختلف ارتقا یافت. به عنوان مثال، در سال ۱۸۶۵ رویتر اولین نهادی در اروپا بود که خبر ترور آبراهام لینکلن، رییس جمهور آمریکا را تحت پوشش خبری جدی قرار داد همانطور که خطوط تلگراف و تسهیلات کابل‌های مخابراتی زیر دریاها گسترش می‌یافت، تجارت و تبادلات مالی و تجاری فراسوی اروپا از جمله در سال ۱۸۷۲ در شرق دور و در سال ۱۸۷۴ در آمریکای لاتین نیز توسعه یافت. در سال ۱۸۸۳ رویتر به انتقال اخبار و اطلاعات و پیغام‌ها برای روزنامه‌های لندن از طریق سیستم‌های الکترونیکی اقدام کرد و در سال ۱۹۲۳ پیش قراول استفاده از رادیو برای ارسال اخبار بین‌المللی شد.

در سال ۱۹۲۵، انجمن مطبوعات و خبرگزاری‌های بریتانیای کبیر، بیشتر سهام شرکت با مسوولیت محدود رویتر را خرید و مقر آن در سال ۱۹۳۹ به ساختمان شماره ۸۵ خیابان فلیت در لندن که در حال حاضر نیز در آنجا است، انتقال یافت.

در بین دو جنگ جهانی، رویتر تحت فشار دولت انگلیس قرار گرفت تا در راستای منافع آن فعالیت کند. در سال ۱۹۴۱ رویتر با ساختاربندی مجدد خود به عنوان یک شرکت خصوصی خود را از این فشارها خلاصی بخشید.

صاحبان جدید رویتر اصول قیمومیت رویتر را تدوین کردند که بر اساس آن رویتر شرکتی مستقل و بی‌طرف می‌باشد. در نیمه دوم قرن بیستم رویتر سریعاً شروع به نوسازی خود کرد.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

اگرچه رویتر بیشتر به عنوان بزرگترین خبرگزاری چند رسانه‌ای بین‌المللی شناخته شده است اما بیش از ۹۰ درصد درآمدهای آن از محل خدمات و سرویس‌های مالی‌ای که ارائه می‌دهد، تامین می‌شود.

از تحولات مهمی که از نیمه‌ی دوم سده‌ی بیستم در رویتر ایجاد شد تاسیس سرویس رویتر مانیتور بود که به پوشش اخبار مربوط به ارزهای خارجی و قیمت سهام در دنیا می‌پرداخت. در پی افزایش میزان سوددهی رویتر، سهام این شرکت در سال ۱۹۸۴ در بازار بورس لندن عرضه شد و در پی آن اخبار تلویزیونی رویتر نیز در سال ۱۹۸۵ کار خود را آغاز کرد.

در حال حاضر حدود ۴۲۷ هزار نفر از متخصصانی که در بازارهای مالی و کالا مشغول فعالیت هستند، از خدمات رویتر در راستای بهبود فعالیت خود استفاده می‌کنند. عامل قوت و توان رویتر، فراهم آوردن قابلیت‌های محتوایی، تحلیلی، تجاری و پیغامی مورد نیاز متخصصان مالی است. رویتر همچنین علاوه بر فعالیت در حوزه‌ی ارائه‌ی خدمات و اخبار مالی؛ متن، گرافیک، فیلم‌های ویدئویی و عکس‌های خبری در موضوعات مختلف به سازمان‌های خبری و پایگاه‌های اینترنتی در سراسر جهان ارائه می‌دهد

رویتر هم‌اکنون به عنوان یکی از بزرگترین خبرگزاری‌های دنیا با حدود ۲۱۵۷ خبرنگار و عکاس در ۲۰۰ شهر واقع در ۹۴ کشور دنیا حضوری فعال دارد. این خبرگزاری متن‌های خود را به ۱۹ زبان مختلف ارائه می‌دهد. اخبار آن تا ۲۵ هزار خبر و بیش از شش میلیون کلمه در روز می‌رسد. این خبرگزاری با ایجاد سرویس اینترنتی خود به صورت چندرسانه‌ای به بیش از ۷۳ میلیون نفر در سراسر جهان سرویس می‌دهد.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

خط مشی و سیاست راهنمای رویتر به طور مشروح در بخش سیاست سردبیری آن در پایگاه اینترنتی‌اش آمده است. بر اساس این خط مشی: «فعالیت‌های خبری رویتر بر اساس اصول قیومیت شرکت قرار دارد که تصریح می‌کنند، انسجام، استقلال و عدم تعصب رویتر باید در هر زمانی حفظ شود. رویتر سیاست‌های جدی‌ای به مرحله‌ی اجرا گذاشته است تا پیوستگی و انسجام این اصول را تضمین کند و ما متعهد به گزارش‌دهی صحیح و متوازن هستیم.»

اما با وجود این اصول خیلی از شرکت‌های رسانه‌ای رویتر را متهم به عدم بی‌طرفی می‌کنند.

آسوشیتد پرس

Associated Press-AP

در ماه مه ۱۸۴۸ به وسیله نمایندگان شش روزنامه‌ی رقیب شهر نیویورک بنیان نهاده شد. این روزنامه‌ها در صدد هماهنگ عمل کردن در جمع‌آوری اخبار قاره اروپا بودند. تا پیش از این هر یک از این روزنامه‌ها خبرنگاران خود را به بنادر می‌فرستادند تا اخبار تازه قاره‌های دیگر خصوصاً اروپا را از مسافرانی که از کشتی‌ها پیاده می‌شدند، دریافت کنند. خبرگزاری آسوشیتد پرس از سال ۱۹۹۰ به این سو صورت سازمانی جدیدی یافت.

{رتباطات بین الملل} {به نام خدا} {ناهید خوشنویس}

در این سال این خبرگزاری به قانون شرکت‌های ایالت نیویورک پیوست و به صورت یک شرکت تعاونی غیر انتفاعی درآمد. اعضای شورای مدیران که هیات حاکمه این خبرگزاری است را انتخاب می‌کنند.

بر اساس اساسنامه این خبرگزاری، اعضای شورای مدیران حداقل ۱۸ و حداکثر ۲۴ نفر خواهند بود.

دست کم سه نفر از اعضای شورای مدیران باید نمایندگان روزنامه‌هایی باشند که در شهرهای با

جمعیت کمتر از ۵۰ هزار نفر منتشر می‌شوند و یا روزنامه‌هایی که تحت کنترل و یا مرتبط با

روزنامه‌هایی که در شهرهایی با بیش از ۵۰ هزار نفر جمعیت منتشر می‌شوند، نیستند

در حال حاضر این خبرگزاری ۳۷۰۰ نیرو در اختیار دارد که در ۲۴۰ اداره این خبرگزاری در سراسر

جهان مشغول ایفای نقش هستند. ماموریتی که این خبرگزاری برای خود تعریف کرده این است که به

شبکه خبری اصلی جهانی تبدیل شود و سرویس‌های خبری با کیفیت بالا و قابلیت اعتماد بالا به

مخاطبان ارایه دهد. **آسوشیتدپرس در حال حاضر دارای قسمت‌ها و امکانات زیر است:**

1. یک شبکه از بهترین عکس‌های دیجیتالی صنعت، آرشیوی از عکس‌های دیجیتالی تجاری،

2. یک سرویس خبری آن‌لاین که طی ۲۴ ساعت شبانه‌روز مدام در حال مخابره اخبار دست

اول است،

3. یک شبکه اخبار تلویزیونی که وضعیت هنر را مخابره می‌کند،

4. بزرگ‌ترین شبکه رادیویی آمریکا

5. و کتابخانه‌یی مشتمل بر بیش از ۱۰ میلیون عکس و تصویر.

خبرگزاری یونایتدپرس اینترنشنال

United Press International-UPI

خبرگزاری یونایتدپرس در سال 1907 به وسیله موسسه تحقیقاتی اسکریپس Scripps

Research Institute تاسیس شد.

در آن سال یونایتدپرس 10 هزار کلمه خبر را با کمک الفبای مورس به 869 مشترک در داخل امریکا فروخت.

بر اساس تحقیق اداره کل آموزش و پژوهش واحدمرکزی خبر موسس نیویورک جورنال نیز در سال 1909 خبرگزاری جدیدی به نام اینترنشنال نیوز سرویس را افتتاح کرد.

در 1958 این دو خبرگزاری ادغام شدند و خبرگزاری جدیدی موسوم به یونایتدپرس اینترنشنال به وجود آمد.

مقر اصلی آن در واشنگتن دی سی است و شعباتی نیز در بیروت، هنگ کنگ، لندن، سانتیاگو، سنول و توکیو دارد

. خبرگزاری یونایتدپرس داده‌ها و اخبار خود را به سه زبان انگلیسی، اسپانیایی، و عربی به سراسر جهان مخابره می‌کند.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

یونایتد پرس به همراه سه خبرگزاری آسوشیتد پرس، رویتر و خبرگزاری فرانسه چهار خبرگزاری بزرگ دنیا هستند.

تا سال ۱۹۲۹ خبرگزاری یونایتد پرس به ۱۱۷۰ روزنامه در ۴۵ کشور سرویس دهی می کرد.

طی این سال ها علاوه بر پیش قراولی یونایتد پرس در عرصه ی اخبار، این خبرگزاری در عرصه ی فعالیت خبری سبک ها و روش های نوی ارایه کرد.

یونایتد پرس اولین خبرگزاری ای بود که بر مصاحبه با اشخاص مختلف و ارایه داستان های زندگی شخصیت ها به عنوان بخش مهمی از گزارش های خبری خود تاکید کرد.

در سال ۱۹۳۵ خبرگزاری یونایتد پرس به مهمترین خبرگزاری آمریکا در ارایه اخبار و گزارش به ایستگاه های رادیویی تبدیل شد.

با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ تعداد مشتریان یونایتد پرس به ۱۷۱۵ روزنامه و ایستگاه رادیویی در ۵۲ کشور و سرزمین افزایش یافت.

این تعداد شامل ۴۸۶ روزنامه در خارج از خاک آمریکا می شد. ۱۹۴ روزنامه از این تعداد در کشورهای واقع بودند که علیه آمریکا و متحدانش در جنگ بودند.

در سال ۱۹۴۵ خبرگزاری یونایتد پرس اولین سرویس کاملا ورزشی را راه اندازی کرد.

در سال ۱۹۵۱ یونایتد پرس تهیه اولین فیلم های خبری بین المللی را برای ایستگاه های تلویزیونی آغاز کرد.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

در اول ژانویه ۱۹۵۲ نیز سرویس عکس‌های خبری یونایتدپرس در سطحی جهان گستر آغاز به کار کرد..

این خبرگزاری از سال 1972 نظام جدیدی را در ذخیره اخبار و ارسال آن به کار گرفت که در جمع اوری تحریر و ارسال خبر، دستگاه‌ها به صورت خودکار عمل می‌کردند و روزانه 4/5 میلیون کلمه خبر مخابره می‌شد که گاه بعضی خبرها به 48 زبان ترجمه می‌شد.

خبرگزاری یونایتدپرس ناگهان شروع به تعطیل دفاتر خود در بعضی از مناطق اروپا، خاورمیانه و افریقا کرد که به اخراج تعدادی از کارکنان آن منجر شد

به این ترتیب دفاتر یونایتدپرس در انکارا، اتن، بیروت، ژنو، بلگراد، بروکسل، قاهره، دوی، بیت‌المقدس، ژوهانسبورگ، کویت، مادرید، مسکو، پاریس، پراگ، ریاض، رم، سارایوو، استکهلم، وین و ورشو همچنان پابرجاست

یونایتدپرس در سال 1992 ورشکست شد و شرکت سعودی میدل ایست برودکستینگ سنتر آنرا خریداری کرد.

این خبرگزاری علاوه بر دفاتر امریکایی خود دو دفتر منطقه‌ای نیز دارد که در میامی برای منطقه امریکای لاتین و در هنگ کنگ، منطقه آسیا را پوشش خبری می‌دهد.

این خبرگزاری اکنون 400 کارمند تمام وقت و 700 کارمند نیمه وقت دارد.

یونایتدپرس یک شرکت خصوصی دارنده سهام است که دستخوش تجدید حیات مالی و اجرایی شده است.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

این خبرگزاری 2هزار روزنامه‌نگار تمام وقت در سراسر جهان دارد و پیشتاز عرضه خدمات خبری جهانی و نیز عکس‌های خبری است و مطالب خبری را به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی و پرتغالی ارسال می‌کند.

بخش‌های دیگر یونایتدپرس عبارتند از بخش بین‌المللی، اخبار ورزشی، علم و فناوری اطلاعات، که مطالب دست اول را برای رسانه‌ها و مشتریان غیر رسانه‌ای چون بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی تهیه و ارسال می‌کند.

سرویس بین‌المللی شنیداری یونایتدپرس روزانه بیش از 14 میلیون کلمه خبر را به سه زبان تهیه و برای حدود 7 هزار گیرنده در 100 کشور ارسال می‌کند.

واحد مرکزی خبر

این سازمان خبری بعنوان خبرگزاری رادیو و تلویزیون از یکسو باید ویژگی‌های یک خبرگزاری را در خود حفظ کند و از سوی دیگر باید نیازهای خبری رادیو و تلویزیون را پاسخ دهد.

واحد مرکزی خبر سه نوع خبر (نوشتاری، صوتی و تصویری) برای بخش‌های خبری رادیو و تلویزیون تهیه می‌کند و بر همین اساس است که باید سبک نگارش خبرهای خود را به سبک نگارش و تنظیم خبرهای این رسانه نزدیک کند.

مثلا تنظیم خبرهایش بر اساس سبک هرم وارونه باشد.

همچنین زبان خبر آن باید ساده ، روشن و مفهوم باشد. خبرنگاران واحد مرکزی خبر همچنین در تهیه اخبار صوتی و تصویری باید به هر آنچه به این گونه اخبار تنوع ، جذابیت و کاربرد می دهد، توجه کنند.

تفاوت پایگاه‌های خبری و خبرگزاری‌ها

. خبرگزاری‌ها عمدتاً نهادهای رسمی خبری و شناخته شده هستند و احتمال دارد که خبرگزاری‌ها وابسته و گرایشی به جناح‌های مختلف داشته باشند.

پایگاه‌های خبری هم عمدتاً می‌توانند ویژگی غیررسمی داشته باشند. البته ثبت شدن دامنه آن‌ها و بسیاری از اطلاعات آن‌ها مشخص است.

پایگاه‌های خبری عمدتاً طول عمر کمتری دارند و تیم‌های آنان یا خیلی حرفه‌ای یا آماتور است. این پایگاه‌ها به اخبار و مطالب جامعه غیررسمی تر می‌پردازند.

همچنین گاهی فیلترینگ آن‌ها و دروازه‌بانی خبرشان با خبرگزاری‌ها متفاوت تر است. پایگاه‌های خبری سعی می‌کنند برای جذب مخاطب، اخبار را همراه با تحلیل دیدگاه و رویکردشان ببینند و عمدتاً گاهی یک رقیب برای خبرگزاری‌ها هستند.

خبرگزاری به دلیل مسیری که برای مجوز گرفتن طی می‌کند رسمی تر است اما در پایگاه خبری اخذ مجوز و فعالیت‌اش آسان تر است.

همچنین ساختار و سازمان کوچک‌تری هم دارد و نیروهایی که در آن فعالیت می‌کنند کمتر حرفه‌ای هستند.

این پایگاه‌های خبری به لحاظ ساختار و تشکیلات، رسمیت و وسعت خبرگزاری‌ها را ندارند.

ایسم ism

ایسم در لغت به معنایصالت، اصول و رویه است و در اصطلاح این پسوند به معنای طرفداری از یک مکتب فکری است، به پیروان یک مکتب خاص این عنوان اطلاق می‌شود. به عنوان نمونه لیبرال به معنای آزاداندیش، آزادی خواه است. لیبرالیسم به طرفداران این مکتب گفته می‌شود که عمده‌ترین هدفشان فراهم آوردن آزادی هر چه بیشتر برای فرد است.

نگرشی بر اکثر ایسم ها بصورت مختصر

Anarchisme آنارشیسیم یا هرج و مرج گرایی

در زبان سیاسی به معنای نظامی اجتماعی و سیاسی بدون دولت، یا به‌طور کلی جامعه‌ای فاقد هرگونه ساختار طبقاتی یا حکومتی است.

آنارشیسیم، برخلاف باور عمومی، خواهان «هرج و مرج» و جامعه‌ی «بدون نظم» نیست، بلکه همکاری داوطلبانه را درست می‌داند که بهترین شکل آن، ایجاد گروه‌های خودمختار است. طبق این عقیده، نظام اقتصادی نیز در جامعه‌ای آزاد و بدون اجبار یک قدرت سازمان یافته بهتر خواهد شد و گروه‌های داوطلب می‌توانند بهتر از دولت‌های کنونی از پس وظایف آن برآیند. آنارشیسیت‌ها به‌طور کلی با حاکمیت هرگونه دولت مخالفند و دموکراسی را نیز استبداد اکثریت می‌دانند. آنارشیسیم شامل مخالفت با اقتدار یا هرگونه سازمان با ساختارهای طبقاتی در هر رابطه انسانی است و به سیستم دولت محدود نمی‌شود و به عنوان یک تئوری بی‌تعصب، آنارشیسیم تساوی در بسیاری از جریان‌های فکری را خواهان است آنارشیسیم یک تئوری جهان بینی خاص ارائه نمی‌دهد و مانند دیگر نظریه‌ها در حال تغییر است.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

آنارشیسم خود زیر نخله‌های پرشماری دارد، که جز در یکی دو اصل بنیادین شباهت چندانی با هم ندارند. مکاتب فکری آنارشیسم می‌تواند اساساً متفاوت باشد، به‌طور مثال آنارشیسم هر چیزی از فردگرایی مطلق تا جمع‌گرایی کامل را حمایت می‌کند. آنارشیسم معمولاً به عنوان ایدئولوژی چپ رادیکال در نظر گرفته می‌شود و بیشتر اقتصاد آنارشیستی و فلسفه حقوق آنارشیستی از تفاسیر ضد استبدادی کمونیسم، اقتصاد مشارکتی، سندیکالیسم و همکاری متقابل تأثیر گرفته‌است.

Marxism مارکسیسم

کتبی سیاسی و اجتماعی است که توسط کارل مارکس فیلسوف و انقلابی آلمانی، در اواخر قرن نوزدهم ساخته شد. فردریش انگلس نیز از شکل‌دهندگان مهم به اندیشه مارکسیسم بوده‌است و مارکسیست‌ها با اصول کلی اندیشه او نیز موافق هستند.

اساس مارکسیسم، آن طور که در «مانیفست کمونیست» (نوشته مارکس و انگلس) بیان شده‌است، بر این باور استوار است که تاریخ جوامع، تا کنون، تاریخ مبارزه طبقاتی بوده‌است و در دنیای حاضر، دو طبقه، بورژوازی و پرولتاریا، وجود دارند که کشاکش این دو، تاریخ را رقم خواهد زد.

میان مارکسیست‌های مختلف، برداشت‌های بسیار متفاوتی از مارکسیسم و تحلیل مسائل جهان با آن موجود است اما موضوعی که تقریباً همه در آن توافق دارند: «واژگونی نظام سرمایه‌داری از طریق انقلاب کارگران و لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و لغو کار مزدی و ایجاد جامعه‌ای بی طبقه با مردمی آزاد و برابر و در نتیجه، پایان از خودبیگانگی انسان» است. (از خودبیگانگی‌ای که کمونیست‌ها معتقدند در جهان سرمایه‌داری ناگزیر و حتمی است مارکس و انگلس همانند بقیه سوسیالیست‌ها، تلاش کردند تا به کاپیتالیسم و سیستم‌هایی که در جهت به خدمت گرفتن کارگران پایه‌ریزی شده بودند خاتمه دهند.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

در حالی که سوسیالیست‌ها در آغاز راه به دنبال اصلاحات اجتماعی بلند مدت بودند، مارکس و انگلس معتقد بودند که انقلاب، اجتناب‌ناپذیر بوده و تنها مسیر ممکن برای رضایت مردم، حرکت به سوی سوسیالیسم و کمونیسم است.

بورژوازی

مفهوم بورژوازی از زمان مارکس به بعد به معنای (طبقه حاکمه جامعه سرمایه داری) یعنی طبقه سرمایه داران و مالکان وسایل تولید، بورژوازی صفت دیگری نیز دارد که جامعه شناسان قرن یازدهم آنرا بکار می‌گرفتن توصیف زندگی اجتماعی سیاسی اروپا بود مفهوم بورژوازی طی تحولات و گذر تاریخ دچار تغییرات شده است.

مفهوم ویژه و دقیق بورژوازی به طبقه ای از مردم در تاریخ اجتماعی اروپا اطلاق شده است که دارای ایدئولوژی و تفکر خاصی بودند و بورژوازی در مقابل اشرافیت قرار داشت.

پرولتاریا

مارکس در کتاب «مانیفست کمونیست» (۱۸۴۸) تعریفی از پرولتاریا به دست می‌دهد. «مقصود از پرولتاریا طبقه ی کارگران مزدور جدیدی است که مالک هیچ وسیله‌ی تولیدی نیست و نیروی کار خود را برای تأمین زندگی می‌فروشد.» پرولتاریا طبقه‌ای است از جامعه که هزینه زندگی خود را منحصراً از فروش نیروی کار خود بدست می‌آورد نه از منافع یک سرمایه، یعنی آن طبقه که خوشی و درد، زندگی و مرگ و تمامی افراد آن مربوط می‌باشد به وجود کار، پرولتاریا «مولد ارزش» به‌شمار می‌رود اما سهمی از «ارزش» و «سود» نمی‌برد. مارکسیسم تقابل این طبقه با بورژوازی را طبیعت تاریخ برمی‌شمرد. مارکس و انگلس پرولتاریا را تنها به معنای کارگران تهیدست صنعتی بکار می‌بردند، ولی در جریان

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

انقلاب روسیه و به ویژه انقلاب چین که تکیه‌گاه عمده ی آن دهقانان بی‌زمین و تهیدست بود، مفهوم «پرولتاریای دهقانی» به عنوان نیروی متحد «پرولتاریای صنعتی» پدید آمد و جنبش‌های انقلابی در جهان سوم، با نبود پرولتاریای صنعتی، تکیه‌گاه اصلی خود را «پرولتاریای دهقانی» قرار دادند. از دیدگاه مارکسیسم، پرولتاریا و بورژوازی در منصب‌های ضد هم قرار دارند چون (برای مثال) در حالی که کارگران کارخانه‌ها ناخودآگاه تمایل زیادی به افزایش حقوق دارند، صاحبان آنها برعکس دوست دارند حقوق پرداختی کارگران تا جای ممکن پایین باشد.

پلورالیسم یا کثرت گرایی

پلورالیست‌ها جامعه را به مثابه مجموعه‌ای از افراد و گروه‌ها می‌بینند که در حال رقابت بر سر قدرت سیاسی هستند.

با این مقدمه دید ایشان نسبت به دولت، پدیده‌ای است بی‌طرف که فقط به دنبال اعطای قدرت به آن دسته از افرادی است که مناصب را در رقابتی انتخاباتی از آن خود کرده‌اند. در سنت پلورالیستی، رابرت دال فردی بود که نظریه دولت به عنوان عرصه‌ای بی‌طرف را گسترش و توسعه داد که فضا را برای رقابت گروه‌های دیگر فراهم می‌آورد. وقتی قدرت در یک جامعه به گونه‌ای رقابتی به دست آید، سیاست دولت نتیجه چانه زنی‌های مکرر خواهد بود. گرچه پلورالیسم نیز به نابرابری میان افراد معتقد است ولی در صدد فراهم آوردن فرصت‌هایی برابر برای تمام گروه‌هاست تا بتوانند بر دولت فشار بیاورند و منافع خویش را تأمین کنند. رویکرد پلورالیستی بیان می‌کند که فعالیت دولت‌های مدرن دموکراتیک نتیجه فشارهایی است که توسط گروه‌های مختلف بر آن وارد شده‌است.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

دال چین دولت‌هایی را دولت چند رهبری (پلیارشی) می‌نامد. پلورالیسم بر این اساس که بر پایه مدارک تجربی مورد حمایت قرار نگرفته‌است، مورد نقد واقع شده و به چالش کشیده شده‌است. با مطالعه‌ای انتقادی بر اکثریت بسیاری از مردمی که در مناصب حاکمیتی مشغول به کارند مشخص می‌شوند که بسیاری از ایشان متعلق به طبقه‌های ثروتمند جامعه است و این با هدف پلورالیسم که سعی در برآورده کردن منافع تمام گروه‌های جامعه دارد در تعارض است.

پست مدرنیسم

یورگن هابرماس معتقد بود که پایه چهارچوب ساختارهای عظیم که توسط بسیاری از نظریه پردازان مارکسیست مرود استفاده قرار گرفته تا بتوانند ارتباط میان دولت و اقتصاد را تبیین کنند، بیش از حد ساده انگارانه است.

وی احساس می‌کرد که دولت‌های مدرن نقش عمده‌ای را در ساختار مند کردن اقتصاد از طریق قاعده مند کردن فعالیت‌های اقتصادی و تولیدکننده یا مصرف‌کننده بودن در حجم گسترده و باز توزیع ثروت ناشی از فعالیت‌های دولت بر عهده دارند. به خاطر تمام این دلایل هابرماس معتقد بود که دولت‌ها نمی‌توانند مسئولیت مثبتی را در برقراری منافع طبقات اقتصادی جامعه ایفا کند. میشل فوکو معتقد بود نظریه مدرن سیاست به شدت بر پایه مرکزیت دولت استوار است و می‌گفت شاید بعد از تمام این حرف‌ها، دولت چیزی بیش از ترکیب واقعیت و یک انتزاع افسانه‌ای نباشد که اهمیت آن بسیار کمتر از چیزی باشد که ما برای آن در نظر می‌گیریم. وی می‌پنداشت نظریه سیاست بسیار بیش از حد بر روی نهادهای انتزاعی متمرکز بود و توجه کافی را مبذول اعمال واقعی دولت نمی‌داشت.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

در نظر فوکو وجود دولت هیچ گونه ضرورتی نداشت. به اعتقاد وی نظریه پردازان علم سیاست، به جای تلاش برای فهم فعالیت‌های دولت‌ها با تحلیل دارایی‌های دولت باید به آزمایش تغییرات در رفتارها و اعمال دولت بپردازند تا بتوانند تغییرات در طبیعت دولت درک کنند.

لیبرالیسم Liberalism

در معنای لغوی، به معنی آزادیخواهی با قوانین خاص است و به آرایه وسیعی از ایده‌ها و تئوریهای مرتبط دولت، اطلاق میشود که آزادی شخصی را مهمترین هدف سیاسی میدانند لیبرالیسم مدرن در عصر روشنگری، ریشه دارد. به صورت کلی، لیبرالیسم بر حقوق افراد و برابری فرصت تأکید جدی دارد. شاخه‌های مختلف لیبرالیسم ممکن است سیاستهای متفاوتی را پیشنهاد کنند، اما همه آنها به صورت عمومی در مورد چند قاعده متحد هستند، از جمله گسترش آزادی اندیشه و آزادی بیان، محدود کردن قدرت دولت‌ها، نقش بسزای قانون، تبادل آزاد ایده‌ها، اقتصاد بازاری یا اقتصاد مختلط و یک سیستم شفاف دولتی در طرف مقابل نظریه‌های مارکسیستی قرار می‌گیرند که سیاست را به عنوان پدیده‌ای در نظر می‌گیرند که به شدت با روابط اقتصادی در هم آمیخته است، و بر ارتباط میان قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی تأکید دارند. آنها حکومت را به عنوان وسیله‌ای می‌بینند که در وهله اول در صدد خدمت به طبقه‌های برتر جامعه است.

{رتباطات بین الملل} {به نام خدا} {ناهید خوشنویس}

امپریالیسم

امپریالیسم از کلمه قدیم تر (امپراطوری) گرفته شده است. و این اصطلاح عنوان برای قدرت یا دولتی بوده که خارج از محدوده و کشور خود به زور به تصرف سرزمین ها و ممالک دیگر اقدام می کرده، و آنجا را جهت بهره برداری، تحت سلطه خود قرار می داده است. و معنای امپریالیسم با کلمه استعمار پیوندی نزدیک دارند. و امپریالیسم به امپریالیسم نظامی، اقتصادی و فرهنگی تقسیم می شود.

میلیتاریسم

به معنای ارتش سالاری می باشد. به چهار حالت در سازمان ارتش مانند:

جنگجویی، سروری ارتش بر دستگاه دولت، بزرگداشت سپاهگیری و بسیج کشور برای هدف های نظامی را ارتش سالاری گویند.

وقتی این چهار حالت کاملاً فراهم شد ارتش سالاری کامل گویند.

نازیسم

عنوانی است برای حکومت آلمان در دوره "آدولف هیتلر" و گاهی هم ردیف معنای فاشیسم می باشد. و نیز نازی علامت اختصاری "حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان" به رهبری هیتلر است. آن ها اهداف سوسیالیسم ملی را رفاه عمومی کارگران، افزایش دستمزدها و عدالت در تقسیم سرمایه ها اعلام کردند.

سوسیالیسم

جامعه خواهی، جامعه گرایی یا سوسیالیسم اندیشه‌ای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که برای ایجاد نظم اجتماعی مبتنی بر انسجام همگانی می‌کوشد، جامعه‌ای که در آن تمامی قشرهای اجتماع سهمی برابر در سود همگانی داشته باشند. هدف سوسیالیسم لغو مالکیت خصوصی بر ابزارهای تولید و برقراری مالکیت اجتماعی بر ابزارهای تولید است. این «مالکیت اجتماعی» ممکن است مستقیم باشد، مانند مالکیت و اداره‌ی صنایع توسط شوراهای کارگری، یا غیرمستقیم باشد، از طریق مالکیت و اداره‌ی دولتی صنایع..

فاشیسم

نام مسلک و مکتب سیاسی و طرز حکومتی است که در فاصله جنگ جهانی اول و دوم در آلمان و ایتالیا حکمفرما بود و به طریق استبداد و دیکتاتوری فرمانروایی می‌کرد.

فاشیسم، برنامه‌ای است که به منظور برپا کردن تمرکز حکومت ملی مطلقه یا سیاست و روش خشک و خشن ملی اجرا می‌شود و برای عملی کردن آن رژیم در زمینه‌های صنعتی، تجاری و مالی همراه زور و تعدی نسبت به مخالفان طرح‌ریزی شده و به اجرا درمی‌آید. اصول ضداشتراکی حزب فاشیست ایتالیا به وسیله موسولینی در 1919 پی‌ریزی شد.

ماکیاولیسم (استبداد جدید)

مکتب ماکیاولیسم که آن را "فلسفه استبداد جدید" نیز می خوانند، عبارت از مجموعه اصول و دستوراتی است که ماکیاولی فیلسوف و سیاستمدار ایتالیایی (1469-1527) برای حکومت ارائه داده است. که خلاصه این مکتب عبارت است از: تأسیس دولتهای متحد و قوی که تابع کلیسا و دین نباشد. طرفداری از ظلم و استبداد و حکومت نامحدود. انسان موجود سیاسی و فطرتاً شرور است لذا برای علاج شرارت انسان حکومتی مقتدر و مستبد لازم است. اخلاق و مذهب تابع سیاست زمامدار میباشد، اگر صلاح دید در حکومت از دین و اخلاق استفاده می کند و اگر صلاح ندید استفاده نمی کند. زمامدار به منزله قانون است و مردم باید از حاکم و زمامدار اطاعت کنند، اما خودش از قانون مستثنی است و هر چه بخواهد می تواند انجام دهد.

روش حکومت در مکتب ماکیاولیسم آن است که زمامدار برای رسیدن به قدرت و حفظ آن مجاز است به هر عملی مانند زور، حيله، تزوير، جنایت، تقلب، نقض قول و پیمان شکنی و نقض مقررات اخلاقی متوسل شود.

و هیچ نوع عملی برای رسیدن به قدرت و حفظ آن برای زمامدار ممنوع نیست، به شرط اینکه تمام این اعمال را پنهانی و سرّی انجام دهد. و جنایاتی که هیتلر و موسولینی دیکتاتورهای آلمان و ایتالیا انجام دادند بر همین افکار دور می زد.

نیهِلیسم Nihilism

نیهِلیسم یا هیچ انگاری، این اصطلاح از واژه، نیهِیل در زبان لاتین به معنای هیچ آمده است. و نیهِلیسم مکتبی فلسفی است که منکر هر نوع ارزش اخلاقی و مبلّغ شکاکیت مطلق و نفی وجود است. مؤسسه فرقه نیهِلیسم "میخائیل باکونین" (1876-1814م.) بوده است.

نیهِلیسم که در فارسی می توان آن را «نه گرایی» یا «هیچ گرایی» یا «بی-گرایی» نام داد، روشی است که موضوعات تحمیل شده بر اندیشه های بشری را به نوعی نفی می کند اما معنای اصطلاحی آن یعنی «نفی همه چیز» یا نپذیرفتن راه حل هایی که تا کنون در پاسخ سؤال «چه باید کرد؟» داده شده است و حالتی حاکی از یک یأس و در نتیجه سکوت در برابر سؤال مذکور و بیان بی ارزش شدن تمام ارزش ها، انتقاد از تمامی مطالبی که درباره انسان راه حل ارائه داده اند. نیهِلیسم بیشتر یک احساس است تا یک فلسفه. فلسفه ای تام و تمام نیست. انکار فلسفه و امکان علم، انکار ارزش هر چیزی است. اگر انکار هر چیز، روا باشد پس خود عمل انکار هم مورد انکار قرار می گیرد. نفی هر چیزی چه دانش، اخلاق، زیبایی و امر واقعی. هیچ عبارتی ارزش ندارد و هر چیزی بیهوده است؛ البته برای کسانی که دچار یأس و نومیدی نشده اند این باور دشوار است که نیهِلیسم نوعی جهان بینی است و آن حالت ایستمندی وجود انسانی است. از آنجا که نیهِلیسم اعتقاد به بی پایه و اساس بودن و بی ارتباطی چیزهاست، اغلب توأم با بدبینی زیاد است و نوعی میل اولیه در محکوم کردن وجود است. بدبینی تعبیر دیگری از بی فایده گی و بیهودگی است.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

سوفیسم (سوفسطائی)

در زبان یونان سوفیسم و سوفیزا به معنای آموزش و سوفوس به معنای عقل و خرد می باشد. اما از نظر اصطلاح سوفیست عنوانی برای فلاسفه قبل از سقراط می باشد. که آنان مورد انتقاد سقراط و افلاطون قرار گرفتند.

اما بعدها به کسانی گفته می شد که در بحث ها و گفتگوی با مغالطه و زبان بازی بر حریف خود پیروز می شدند. برای حقیقت ۳ حالت قائل شدند:

الف) حقیقتی وجود ندارد.

ب) حقیقتی وجود دارد، اما قابل شناخت نیست.

ج) حقیقتی وجود دارد، برای عده ای قابل شناخت هست، اما قابل انتقال نیست.

آتئیسم

خداناباوری یا بی خدایی پیروان این مکتب می گویند چیزی به عنوان مافوق طبیعت وجود ندارد. و انسان را فقط موجود طبیعی می دانند که باید با همان عقل طبیعی اداره شود در گسترده ترین معنا، فقدان باور به وجود خدا است. خداناباوری در معنایی کم تر گسترده، رد کردن این اعتقاد است که خدایی وجود دارد. در معنایی حتی محدودتر، خداناباوری، به طور مشخص، این موضع است که هیچ خدایی وجود ندارد. خداناباوری، در تقابل با خداناباوری است که در کلی ترین شکل، این اعتقاد است که حداقل یک خدا وجود دارد.

کمونیسم Communis

به فرد یا حزب طرفدار مرام اشتراکی و معتقد و وفادار به مکتب کمونیسم اطلاق می شود . در فرضیه های کارل مارکس و فردریک انگلس ، کمونیسم جامعه ای است به اصطلاح بی طبقه ولی توضیحات مارکس و انگلس درباره ی مشخصات جامعه کمونیستی دارای ابهام بسیار است. مارکس و انگلس هنگامی که از کمونیسم سخن گفته اند، جامعه ای را مورد نظر قرار داده اند که در آن بهره ی انسانها از نعم مادی بر مبنای نیاز آنان عنوان شده است، در حالیکه نیاز آدمی را نمی توان متوقف کرد. تاریخ اقتصادی جامعه بشری ضمن اینکه تاریخ پیشرفت تولید است ، تاریخ رشد و افزایش نیازهای روزافزون و همه جانبه انسانی نیز هست و نیازهای انسان تنها به نیازهای مادی محدود نمی شود. ولی علیرغم این واقعیت ، در جامعه کمونیستی مفروض مارکس ، نیازهای روزافزون و معنوی انسانها ملحوظ نشده است. حزب کمونیست ؛ این حزب بر مالکیت اشتراکی کلیه دارایی ها اعتقاد دارد. در این سیستم هیچ دولت مرکزی وجود ندارد .

یولیسم Populisme

بزرگداشت مفهوم مردم (یا توده) تا حد مفهومی مقدس، و باور به اینکه هدفهای سیاسی را میباید به خواست و نیروی مردم جدا از حزبها و نهادهای موجود پیش برد. عوامگرایی خواست مردم را عین حق و اخلاق میداند و بر آن است که میباید میان مردم و حکومت رابطه مستقیم وجود داشته باشد. هم چنین با ایمانی ساده فضایل مردم را در برابر منش فاسد طبقه حاکم یا هر گروهی که موقعیت سیاسی و منزلت اجتماعی برتر داشته باشد قرار میدهد و میستاید. یکی از ویژگیهای عوامگرایی یافتن «توطئه‌های ضد مردمی» در هر جاست و این برداشت معمولاً به دشمنیهای نژادی و قومی دامن میزند.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

دادائیسیم (پوچ گرایبی)

مکتبی است که بعد از جنگ جهانی اول و در دوران هرج و مرج کشورهای اروپایی بوجود آمد و کانون تشکیل آن کشور سوئیس بود. مکتبی است که در سال 1916 تشکیل شد و به دلیل دیدگاهی که به جهان اطراف خود داشت ، خیلی زود و در سال 1922 نابود شد. مبنای آن هرج و مرج، ناامیدی، پریشانی، پوچ گرایبی، بی شکلی مطلق، نابودگرایی خودآفرینندگی است. در این مکتب هیچ چیز دنیا مورد قبول نیست و حتی خودش را. حرف اساسی آن در زندگی طغیان بر علیه سه عنصر اجتماع ، اخلاق و هنر است. ساختارشکنی می خواهد در گام اول ادبیات و در گام بعدی انسان را از زیر سلطه ی عقل و منطق و زبان خارج کند .

ضد خردورزی است این مکتب بیشتر در شعر ، موسیقی و گرافیک وارد شد و در حقیقت انقلابی برای تغییر و ساختارشکنی مفاهیم هنری محسوب می شود. از پیروان اصلی این مکتب می توان مارسل دوشان و ماکس ارنست را نام برد. البته ماکس ارنست بعدها با الهام از مکتب دادائیسیم، مکتب دیگری به نام سورنالیسم بوجود آورد.

Capitalism کاپیتالیسم

یک نظام اقتصادی است که در آن پایه‌های یک سیستم اقتصادی بر روی مالکیت خصوصی ابزارهای تولید اقتصادی است و در دست مالکان خصوصی است و از این برای ایجاد بهره‌مندی اقتصادی در بازارهایی رقابتی استفاده می‌شود؛ که به این قانون، آزادی مالکیت شخصی نیز گفته می‌شود؛ که معنای آن، تولید و توزیع کالا هاست . معنای لغوی کپیتال همان سرمایه است و سرمایه شامل: زمین‌ها، کارخانه‌ها و... می‌باشد.

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

درآمد در این قانون حداقل دو شکل دارد: سود و دست‌مزد. سود عبارت است از آنچه که به‌خاطر مالکیت ابزار تولید به کسانی که سرمایه را فراهم کرده‌اند، داده می‌شود.

در این قانون زمین، نیروی انسانی و سرمایه در اختیار گروهی از افراد جامعه است که سایر افراد جامعه با استفاده مشروط از آنها، به تولید مادی و تولید معنوی می‌پردازند.

Nationalism ناسیونالیسم

نوعی آگاهی جمعی است، یعنی آگاهی به تعلق به ملت که آن را «آگاهی ملی» می‌خوانند. آگاهی ملی، اغلب پدیدآورنده حس وفاداری، شور و دل‌بستگی افراد به عناصر تشکیل‌دهنده ملت (نژاد، زبان، سنت‌ها و عادت‌ها، ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی، و به‌طور کلی فرهنگ) است و گاه موجب بزرگداشت مبالغه‌آمیز از آن‌ها و اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر ملی دیگر ملت‌ها می‌شود. پرچم ملی، سرود ملی و دیگر نمادهای هویت ملی، نشان‌هایی بسیار مهم از جوامع ملی‌گرا است.

Internationalism اینترناسیونالیسم

مفهومی کلی است که بر عقاید و سیاست‌های منجر به منافع مشترک اقوام و ملت‌ها، تکیه دارد. این عقیده، با ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) پرخاشگر مخالفت دارد. اینترناسیونالیست‌ها برآنند که در صورت امکان‌داشتن همکاری میان حکومت‌ها، این مساعدت بین ملت‌ها قاعدتاً امکان‌پذیر است. این مکتب بر آن است که بشر را به این آگاهی برساند که هر فرد متعلق به یک جامعه جهانی است. این باور همچنین تمایل به واگذاری درجه‌ای از حاکمیت ملی - از کمترین تا بیشترین - به موسسات بین‌المللی است.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

هواداران کمترین میزان واگذاری حاکمیت، آن را تا جایی میدانند که لازمه حفظ و تقویت امنیت بینالمللی است و هواداران بیشترین میزان واگذاری، از نوعی حکومت جهانی پشتیبانی میکنند و بین این دو نیز طیفهای گوناگونی وجود دارد.

آنارشیسم

آنارشیسم از واژه یونانی "آنارشیا" گرفته شده که به معنی "فقدان رهبری و حکومت" می باشد. این دکترین خواستار الغای هر گونه قدرت سازمان یافته است. آنارشیسم معتقد است که وجود حکومت و دین جهت پیشرفت جامعه انسانی مضر بوده و بنابراین با از بین بردن حکومت، و برقراری "توافق اختیاری و آزاد" بین مردم میتوان به "برابری" و "عدالت" واقعی دسترسی پیدا کرد. آنارشیسم، تشکل و تمرکز قدرت سیاسی را عامل فساد و در نهایت به ضرر بشر میدانند. از نظر آنارشیستها، حکومت بزرگترین و بدترین نمونه و الگوی تجمع و تمرکز قدرت سازمان یافته سیاسی است و به همین دلیل هدف اصلی آنها از بین بردن هر نوع حکومت بوده است. آنارشیستها، بین حکومتهای سرمایه داری و سوسیالیستی تفاوتی قائل نیستند و هر دو را ظالمانه می دانند و معتقدند مردم باید به هر ترتیب که مقدور باشد خود را از شر قوانین مدون خلاص کنند. اصول بنیادی اعتقادات آنارشیستها این است که فطرت بشر بر خیر و صلاح استوار است و انسان اصولاً موجودی اجتماعی است و بایستی فارغ از قید و بندهای حکومت، آزادانه در امر تولید و فعالیتهای سیاسی و اجتماعی شرکت کند.

بدین ترتیب، آنارشیسم بر خلاف تصور عامه و برداشتی که معمولاً از این کلمه و حامیان آن رواج دارد، مکتب هرج و مرج طلبی و بی نظمی مطلق نیست و در نهایت به گونه ای نظم و ترتیب داوطلبانه و آزاد معتقد است.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

آنها با اشاره به سیر حوادث تاریخ بشر، مدعی اند که همیشه حکومتها منشأ ظلم و ستم بوده اند و در عین حال همیشه با محدود کردن آزادیهای فردی باعث ایجاد عدم تعادل در اجتماع شده و میشوند و لاجرم بایستی از میان بروند. به نظر آنارشیستها، جامعه بدون داشتن نیروهای مسلح، دادگاه، زندان و قوانین مدون بهتر میتواند زندگی کند. آنارشیستها، برای انتقال سیستم و نظامهای موجود به نظام آرمانی خود روشهای متفاوتی دارند. برخی معتقدند به استفاده از روش های مسالمت آمیز، اما، گروهی دیگر معتقد به روش های خشونت آمیز و مبارزه برای از بین بردن هر نوع حکومت هستند. دسته دوم در طول قرن نوزدهم گروهی از سیاستمداران، پادشاهان و رؤسایان جمهور جهان را کشتند؛ مخصوصاً در ایتالیا و اسپانیا فعالیت تروریستی گسترده ای داشتند که گاه دست به جنایتهای هولناک میزدند. در سال 1937 که انقلاب اسپانیا و جنگ های داخلی این کشور در جریان بود، عده ایی از آنارشیستهای تندرو همراه و هم یار انقلابیون بودند... در میان آنارشیستها، طرفداران ترور خود به دو دسته تقسیم میشدند:

1) گروهی خواستار ترورهای فردی

2) و برخی حامی ترورهای عمومی طبقه ثروتمند بودند.

گروه اخیرالذکر پرچمهای سیاه رنگی داشتند که روی آنها علامت جمجمه و دو استخوان نقش بسته بود...

ترورهای مشهوری که توسط آنارشیستها انجام گرفته است، عبارتند از: ترور الکساندر تزار روسیه، هوبرت پادشاه ایتالیا، کانو رئیس جمهور فرانسه، الیزابت ملکه اتریش و مکینلی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا.

ایده آلیسم (آرمان گرایی) Idealism

طرح مسئله اساسی فلسفه رابطه فکر (ذهن) است با هستی (عین). به عبارت دیگر مسئله رابطه شعور انسانی است با جهان مادی خارج. این مسئله اساسی دارای دو جهت است: جهت اول مسئله تقدم ماده است بر شعور یا شعور بر ماده؟ همه مکاتب فلسفی طبق پاسخی که به این مسئله اساسی می دهند به دو گروه بزرگ تقسیم می شوند. ماتریالیست ها و ایده آلیست ها کسانی که معتقدند ماده قبل از پیدایش شعور وجود داشته و شعور نتیجه تکامل طولانی ماده است ماتریالیست ها نام دارند. ماتریالیسم اندیشه ها را زائیده و محصول فعالیت مغز انسانی می شمردند. کسانی که معتقدند شعور مقدم بر ماده و مستقل از ماده است و به صورت «عقل محض» یا به صورت «محسوسات و ذهنیات انسان» خالق جهان مادی است ایده آلیست ها نام دارند. آن ها اندیشه و شناخت را عامل اولیه و مبداء نخست و دارای تقدم می شمردند.

گاه با ترجمه ساده ای ماتریالیست ها را مادیون و ایده آلیست ها را آرمان گرایان می خوانند و می گویند که مادیون یعنی کسانی که دنبال منافع مادی هستند نظر به مادیات و سود شخصی دارند با حرص و آز به دنبال ثروت و شهرت می روند. ولی ایده آلیست ها یعنی کسانی که نظر به معنویات دارند و به دنبال آرمانی عالی بوده و خود را وقف ایده و اندیشه ای نموده اند. واضح است که این گونه ترجمه و تعریف معانی ماتریالیسم و ایده آلیسم نادرست است. امروزه معنی اصلی و شایع آن، این است که: ایده یعنی تصورات ذهنی (اعم از حسی، خیالی یا عقلی) و آرمانگرایی یعنی مسلک کسانی که تنها ایده و تصورات ذهنی را واقعی میدانند و به وجود خارجی جهان خارج و یا به عبارت دیگر به وجود جهان مستقل از ادراک قائل نیستند.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

آرمانگرایان به واقعیت‌های خارجی مانند آسمان، زمین، حیوان، اشخاص دیگر و به طور کلی آن چه با حواس درک شود، اعتقاد ندارند و همه جهان را خیال و پندار میدانند و میگویند: ما جز واقعیت وجود خود و یک رشته پندارهای ذهنی به وجود چیز دیگری در جهان اعتقاد نداریم؛ زیرا آنچه را که جهان خارج از خود مینامیم، به هیچ وجه نمیتوانیم درک کنیم مگر با قوه ادراک خود و قوه ادراک چیزی بیش از تصورات مختلف در اختیارمان قرار نمیدهد.

تخیل گرایی پراحساس (Romantisme رمانتیسم)

رمانتیسیسم را همان‌طور که از نامش پیداست، باید نوعی واکنش احساسی در برابر خرد محوری به‌شمار آورد. تمایلی به برجسته کردن خویشتن انسانی، گرایش به سوی خیال و رؤیا، به سوی گذشته‌ی تاریخی و به سوی سرزمین‌های ناشناخته. از دید انسان رمانتیک، جهان به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی دسته‌ی خردگرا (به قول نووالیس: جهان اعداد و اشکال)، و دوم دسته‌ی احساسات یا به‌طور دقیق‌تر، والاترین‌ها و زیبای‌ها. می‌توان شروع رمانتیسیسم را اینگونه بیان کرد.

1) فلاسفه عصر روشنگری، عقل را محور و معیار شناخت جهان می‌دانستند (عقل‌گرایان).

2) فلاسفه و دانشمندان دیگری همچون نیوتن جان لاک اعتقاد به تجربه داشتند. یعنی اصول شناخت جهان چیزی است که از طریق حواس وارد عقل می‌شد (تجربه‌گرایان)

3) به مرور روشن شد که هر دو دیدگاه نمی‌تواند به شکل رضایت بخشی جهان و عالم پیرامون ما را توصیف کند. اینجا بود که گزینه سوم که شامل احساس بود وارد شد.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

رمانتیسم در اصل، جنبشی هنری بود که در اواخر قرن هجدهم و نوزدهم در ادبیات و سپس هنرهای تجسمی، ابتدا در انگلستان و سپس آلمان، فرانسه و سراسر اروپا رشد کرد.

رمانتیسم تا حدودی ضد جامعه‌ی اشرافی و دوران روشنگری (به‌طور بهتر، عقلانی) بود. گفته می‌شود که ایدئولوژی انقلاب فرانسه و نتیجه‌های آن این طرز فکر را تحت تأثیر خود قرار داد.

رمانتیسم را جنبشی ضد روشنگری می‌دانند. متفکرین و هنرمندان رمانتیک، تأکید فرهنگی بر خرد را محدودکننده و سرکوبگر روح آدمی می‌دانستند. بر مؤلفه‌هایی چون هنر، شور، هیجان، تخیل، مضامین معنوی، مناسک و نمادها تأکید می‌کردند.

ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی): Naturalisme

گرایش و جنبش ادبی است که اواخر قرن نوزدهم تحت تأثیر نظریات داروین شکل گرفت. این جنبش بر پایه‌ی یک رئالیسم سفت و سخت اجتماعی بنا شد و به‌دور از نمادگرایی، ایدئال‌گرایی و احساسات‌گرایی‌های مرسوم، بر جزئیات روزمرهی زندگی تأکید می‌کرد، چرا که رفتار آدمی و سرنوشتش را در چارچوب جبر تحمیل شده از سوی وراثت و محیط به رسمیت می‌شناخت. امیل زولا از طرفداران این مکتب به حساب می‌آید.

رنالیسم (واقع گرایی)

مبنای آن بیان واقعیت مطلق است ، واقعیتی که بدون خوشایندگری و احساسات گرایی بیان می شود. تولستوی و چارلز دیکنز را می توان از پیروان این مکتب به حساب آورد. موضوعاتی که رخ داده را عین واقعیت بیان می کند بدون کم و کاست. پیروان این مکتب با مکاتب ایدئالیسم و رومانتیسم مشکل دارند.

رنالیسم یا واقع گرایی در عرصه بین الملل:

اروپا در دومین دهه از قرن بیست و یکم همانند سه قرن گذشته درگیر سازش ها و ستیزهایی است که هم برآمده از مکاتب فکری معاصر هستند و هم به نظریه پردازی در متن این مکاتب جهت دهی می کنند. اگر در قرن بیستم رقابت بر سر تسلط بر منابع اقتصادی زمینه ساز گسترش ستیزه تا آستانه دو جنگ جهانی شد و به تبع آن به واسطه نظریه پردازی های هانس مورگنتا در باب ماهیت رقابت نظام جهانی بر سر ارزشهای کمیاب که منتهی به کشمکش قدرت بین رقبا میشود، مکتب واقع گرایی Realism بر ایده آلیسم تفوق پیدا کرد.

واقع گرایی که گاه به صورت مکتب اندیشه سیاست قدرت از آن یاد می شود، برای مدت طولانی به عنوان پارادایم حاکم در مطالعه سیاست بین الملل مورد توجه قرار گرفته است. واقع گرایی در شکل کلاسیک آن در اثر توسیدید یعنی «جنگ های پلوپونزی» در بیست و هفت قرن پیش منعکس شده است اما واقع گرایی به صورت یک رویکرد نظری برای تجزیه و تحلیل سیاست بین الملل از اواخر دهه 1930م. و اوایل دهه 1940م. وارد عرصه مطالعه روابط بین الملل شد .

{ناھید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

اعتقاد به اینکه نظریه واحدی درباره رئالیسم وجود دارد از سوی نویسندگانی مورد انتقاد قرار گرفته است که هم به این سنت علاقه مند هستند و هم منتقد آن می باشند. به عقیده برخی از منتقدان برجسته رئالیسم، «سنت واحدی از رئالیسم سیاسی وجود ندارد، بلکه بیشتر مجموعه ای از تنش ها، تناقض ها، شانه خالی کردن ها و تحلیل ها وجود دارد که در بستر تاریخی شکل گرفته اند. در ادامه ابتدا مبانی رئالیسم مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و سپس به انواع رئالیسم و کانون های توجه آن ها اشاره خواهد شد

گزاره های رئالیسم :

همه رئالیست ها به رغم طبقه بندی های متعدد در سه موضوع محوری با هم مشترک اند: 1) دولت گرایی، 2) بقا 3) خودیاری و این سه موضوع زیربنای مکتب رئالیسم محسوب می شود.

1. دولت گرایی

دولت گرایی هسته مرکزی رئالیسم بوده و شامل دو ادعا می باشد. نخست، دولت مهمترین بازیگر است و بقیه بازیگران در جهان سیاست از اهمیت کمتری برخوردارند. دوم، «حاکمیت» دولت وجود یک جامعه مستقل سیاسی را مشخص ساخته که از اقتدار حقوقی بر سرزمین خود برخوردار است. رئالیست ها ادعا می کنند که دولت ها در شرایط هرج و مرج با دیگر دولت ها برای امنیت، بازارها، کسب نفوذ و... به رقابت می پردازند. ماهیت این رقابت اغلب در قالب بازی با حاصل جمع صفر تفسیر می شود. به طور کلی واقع گرایان دولت را به بازیگر اصلی صحنه سیاست بین الملل تلقی می کنند، سایر بازیگران مانند شرکت های چند ملیتی و به طور کلی سازمان های غیر حکومتی، در چارچوب روابط میان دولت ها عمل می کنند .

2. بقا

هدف اولیه همه دولت‌ها بقاست، این برترین نفع ملی است که همه رهبران سیاسی باید به آن احترام بگذارند. تمامی اهداف دیگر، مانند توسعه اقتصادی در درجه دوم قرار دارند. دولت‌مردان برای آن که امنیت کشور خود را حفظ کنند باید اصول اخلاقی سیاست را مورد توجه قرار دهند. این اصول اقدامات را براساس بازده آن مورد ارزیابی قرار می‌دهد تا اینکه بخواهد قضاوت کند که آیا عمل یک فرد درست می‌باشد یا غلط. رئالیسم نه تنها اصول اخلاقی دیگری را برای دولت‌مردان ارائه می‌کند بلکه به طور کامل مخالف وارد کردن اخلاق به عرصه سیاست بین الملل است. از آن جا که بقا در یک محیط متخاصم، پیش شرط حصول به کلیه هدف‌های ملی تلقی می‌شود، بنابر این تعقیب و کسب قدرت، یک هدف منطقی و اجتناب ناپذیر سیاست خارجی به شمار می‌رود.

3. خودیاری

هیچ کشوری نمی‌تواند جهت تضمین امنیت شما مورد اعتماد باشد. در سیاست بین الملل، ساختار نظام به دوستی، صداقت و شرف اجازه ظهور نمی‌دهد. فقط، وضعیت همیشگی عدم اطمینان، به علت نبود دولت جهانی به وجود می‌آید. همزیستی از طریق تقویت موازنه قوا به وجود می‌آید. در جایی که دولت رئالیست به دنبال کسب منفعت بیشتری نسبت به سایر کشورها است همکاری محدود در تعاملات امکان پذیر است

واقع‌گرایان ضمن تاکید بر قدرت و منافع ملی، براین اعتقادند که اصولاً از بین بردن غریزه قدرت صرفاً یک آرمان است و مبارزه بر سر قدرت در محیط فاقد مرکزی صورت می‌گیرد.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

سیاست واقع‌گرا در حقیقت به عمل عقلایی انسان در عرصه واقعیت سیاست بین‌الملل اشاره می‌کند و اینکه چگونه دولت‌ها ناگزیر به استفاده از این روش به صورت مکرر می‌شوند. در این شرایط خودیاری برای حفظ و امنیت بقای بازیگران قاعده اصلی نظام بین‌الملل است

سورئالیسم (فرا واقع‌گرایی، یا وهم‌گرایی)

یکی از جنبش‌های هنری قرن بیستم است. سورئالیسم به معنی گرایش به ماورای واقعیت یا واقعیت برتر است. زمانی که دادائیسیم در حال از بین رفتن بود، پیروان آن به دور آندره برتون که خود نیز زمانی از دادائیسیم‌ها بود، گرد آمدند و طرح مکتب جدیدی را پی‌ریزی کردند. این شیوه در سال ۱۹۲۲ به‌طور رسمی از فرانسه آغاز شد و فراواقع‌گرایی نامیده شد. این مکتب بازتاب نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های قرن بیستم است. سورئالیسم را می‌توان یک جنبش هنری-اجتماعی بنیادستیز به‌شمار آورد. میل به ایجاد دگرگونی در زندگی روزمره از طریق آشکارسازی امر شگفت‌انگیز و تصادفی عینی نهفته در نظم ظاهری واقعیت دانست مسلک سورئالیسم در حوزه‌های مختلف فلسفی رویکردهای زیر را اختیار کرده است:

فلسفه علمی که همان رویکرد فروید به روانکاوی است.

فلسفه اخلاقی که با هرگونه قرارداد مخالف است.

فلسفه اجتماعی که می‌خواهد با ایجاد انقلاب سورئالیستی بشریت را آزاد کند.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

شعر در سوررئالیسم مرتبه‌ی ویژه‌ای دارد و پیروان این مکتب کوشیده‌اند که جهان بینی خود را از طریق شعر انتقال دهند. در واقع شعر را، رکن اساس زندگی می‌دانند زیرا عقیده دارند که شعر باید و می‌تواند مشکل زندگی را حل کند.

فلسفه اجتماعی سوررئالیسم، شعار سعادت بشری را دارد و می‌خواهد آدمی را از قید تمدن سودجوی کنونی نجات بخشد، در عین اینکه بازگشت به گذشته را هم نمی‌پذیرد. در اصل از مواد مرام نامهی این مکتب به خوبی می‌توان دریافت که بنیان‌گذاران این مکتب در اندیشه‌ی رهایی از هر نوع اسارتند و هدف آن‌ها در وهله‌ی اول پاشیدن آبی بر جنگ بوده‌است.

فئودالیسم

فئودالیسم یک سازمان بزرگ اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است که در بسیاری از نقاط اروپا و خاور دور و خاور میانه در قرون وسطی، قبل از تشکیل دولت‌های ملی جدید وجود داشته‌است. خصلت عمده در فئودالیسم آن است که از طرف شاه هر قسمت از اراضی بزرگ به تصرف اشراف به نام فئودال در می‌آید، و آن زمین‌های بزرگ از طرف فئودال یا نمایندگانشان به کشاورزان اجاره داده می‌شود. و اشراف هم در مقابل این اجاره نسبت به کشاورزان آن منطقه اختیارات قضائی و حکومتی و مالی و سیاسی داشتند. ولی در زمان حاضر فئودالیسم به کشوری گفته می‌شود که عده‌ای از اشراف و مالکین املاکی را مالک می‌باشند و کشاورزان از حقوق سیاسی محروم‌اند، و یا به مقداری کم از حقوق سیاسی و کشور بهره‌مند هستند.

فئودالیسم یا نظام ارباب-رعیتی یا حکومت ملوک الطوائفی یا خان و خان زاده

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

نظامی اجتماعی-اقتصادی است که در نتیجه فروپاشی جامعه برده‌داری یا در نتیجه فروپاشی کمون اولیه (نظام اشتراکی) به وجود آمده و با وجود تنوع راه‌های رسیدن بدان، تقریباً در کلیه سرزمینهای جهان، البته در هر جا با ویژگیهای مشخص خود، وجود داشته است.

مولتی پارٹیسم (چند حزبی)

به معنای چند حزبی است که در دموکراسی غرب تولد یافته است و در نظام سیاسی احزاب متعدد وجود دارد که در قدرت سهیم هستند، و هیچ یک از این احزاب به اکثریت مطلق دست پیدا نمی کند، و کشور بر اساس چند حزبی اداره می‌گردد. و گاهی هم احزاب متعدد برای آنکه کرسی های بیشتری را در پارلمان به دست آورند، دست به ائتلاف می زنند. اما ائتلاف دائمی نیست ولی تعداد احزاب هم موجب ضربه به اقتدار ملی نمی شود.

Dogma* جزمیت، خشک‌اندیشی یا دگماتیسم یا جزم‌گرایی

عبارت است از روش اندیشه‌گری غیرانتقادی، غیرتاریخی و متافیزیکی، که بر بنیاد نظرات و باورهای ثابت استوار است، بدون تمایل به بحث عقلانی باورهای ثابت را بمثابه حقایق همیشه همان و همه جا درست، میانگارد بی این که آنها را در روندهای تاریخی شناخته شده مورد آزمون قرار دهد و بر بنیاد دانشهای تازه و آموزه‌های عملی نوین به بازبینی درونمایه حقیقت آنها و ارزش معرفتی آنها بپردازد.

رادیکالیسم

به معنی ریشه است و نظر کسانی را که خواستار تغییر اساسی و سریع در جامعه هستند را می‌رساند. مثلاً در ریاضیات علامت رادیکال () به معنی رسیدن به ریشه عدد است. این اصطلاح هر عمل و نظر سیاسی و اجتماعی را که خواهان تغییرات فوری و قاطع در نهادهای اجتماعی است را در بر می‌گیرد. اصطلاح رادیکالیسم و رادیکال بیشتر برای اعمال و نظریه‌های گروه‌های چپ افراطی اعم از مارکسیست و غیر مارکسیست که خواهان تحولات اساسی و از ریشه در نهادهای اجتماعی هستند، بکار می‌رود. اصطلاح رادیکالیسم در باب کسانی اطلاق می‌شود که از موسسات سیاسی و اجتماعی موجود ناراضی باشند. آنها که عموماً طالب تغییرات اجتماعی و در هم پاشیدن اوضاع حاضر و تاسیس موسسات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شایسته تری هستند. در جامعه جدید کسانی را رادیکال می‌گویند که تقاضای اصلاحات اساسی برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و بهبود موقعیت سیاسی توده‌ها را دارند. رادیکالها معمولاً به نفع طبقات فقیر و محروم از امتیازات و بر ضد ثروتمندان و صاحب منصبان اجتماعی مبارزه می‌کنند.

Opposition* اُپوزیسیون

اپوزیسیون احزاب و گروه‌های سیاسی سازمان یافته‌ای است که مخالف حکومت مستقر می‌باشند و تحت حمایت قانون از آن انتقاد می‌کنند، در صورت کسب آرای اکثریت مردم در انتخابات آزاد، قدرت سیاسی و اداره امور کشور را به دست می‌گیرند.

Sécularisme * سکولاریسم

گیتی‌گرایی یا جدانگاری دین از سیاست، عقیده‌های است مبنی بر جدایی نهادهای حکومتی و کسانی که بر مسند دولت مینشینند، از نهادهای مذهبی و مقامهای مذهبی است. این تفکر، به صورت کلی، ریشه در عصر روشنگری در اروپا دارد. مفاهیمی مانند جدایی دین از سیاست، جدایی کلیسا و حکومت در آمریکا، و لائیسیته در فرانسه و ترکیه بر پایه سکولاریسم بنا شده اند.

Existentialism * اگزیستانسیالیسم

طبق باور اگزیستانسیالیست‌ها زندگی بی‌معناست مگر اینکه خود شخص به آن معنا دهد. این بدین معناست که ما خود را در زندگی می‌یابیم، آنگاه تصمیم می‌گیریم که به آن معنا یا ماهیت دهیم همان‌طور که سارتر گفت ما محکومیم به آزادی یعنی انتخابی نداریم جز اینکه انتخاب کنیم؛ و بار مسئولیت انتخابمان را به دوش کشیم بعضی مواقع اگزیستانسیالیسم با پوچ‌گرایی اشتباه گرفته می‌شود در حالی که با آن متفاوت است، پوچ‌گرایان عقیده دارند که زندگی هیچ هدف و معنایی ندارد در حالی که اگزیستانسیالیست‌ها بر این باورند که انسان باید خود معنا و هدف زندگی اش را بسازد.

Humanism * امانیسم (انسان‌گرایی)

در فارسی به صورت اصالت انسان، انسان‌گرایی، انسانمداری، آدمیت و خود بنیادی ترجمه شده است. این مکتب انسان را محور ارزشها قرار می‌دهد یعنی اصالت به اراده و خواست او داده می‌شود. در این نظریه همه چیز از انسان شروع شده و به انسان نیز ختم می‌شود و هیچ حقیقتی برتر از انسان وجود ندارد بنابراین امانیسم در مقابل مکتب دین که بر اساس خدا محوری می‌باشد قرار گرفته است.

*مدرنیسم:

باید هنرمند قالب های نو و جدیدی پیدا کند، به نحوی هنرمند را وادار به نوگرایی می کند. مثل شعر نو در برابر شعر کلاسیک ، هدف آن مثل هنرهای سنتی فقط ارائه ی لذت برای مخاطب نیست بلکه اهداف دیگری را در نظر دارد. هنر مدرن با مسایل مذهبی به شدت مخالفت دارد ، هنری است عقل گرا و خردگرا و معتقد است عقل و خرد می تواند انسان را به خوشبختی و سعادت برساند. به موضوعات اومانیسم (انسان گرایی) خیلی اعتقاد دارد و انسان را در صدر همه ی کارهای خود قرار می دهد و انسان را موضوع مطلب و تجزیه و تحلیل خود قرار می دهد.

*پست مدرنیسم

*این مکتب ، مکتب مدرن را قبول ندارد و مخالف شدید آنست چرا که معتقد است خرد و عقل بشر را به خوشبختی و سعادت نرسانده است.

* معتقد است چیزی به نام حقیقت، جامعیت و عینیت وجود ندارد و مخالف آنست. این مکتب نسبی گراست و معتقد است که هر موضوع را باید در ظرفیت خود بررسی کرد.

* پست مدرنیسم مخالف سلطه ی انسان روی محیط زیست است، و نیز مخالف برتری گرایی است و می گوید هر چیزی را باید بومی و محلی بررسی کرد

فیمینیسیم (زن سالاری)

مرکب از دو کلمه **Feminine** به معنای مؤنث و زنانه با پسوند **ism** می باشد

که اولین بار در سال 1837 وارد لغت فرانسوی شد. و در اصطلاح به آنچه در قرن نوزدهم در آمریکا تحت عنوان جنبش زنان معروف بود گفته می شود. و قبل از آن در قرن هفده در انگلیس ندهای فمینیستی بوده است. غرب با ترویج فرهنگ زن گرایی و با کشاندن زنان به کارخانه ها و کارگاه ها به تجارت بازار سرمایه داری رونق خاصی داد، و در نتیجه تباهی و از بین رفتن هویت زن و فروپاشی کانون خانواده را به همراه داشت.

این مطالب از کتاب هایی مانند: مکتب های سیاسی، دانشنامه سیاسی، نفوذ و استحاله، تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، فرهنگ حییم، فرهنگ عمید، فرهنگ دهخدا و ... گرفته شده است.

Marxism*مارکسیسم

مکتبی سیاسی و اجتماعی است که توسط کارل مارکس فیلسوف و انقلابی آلمانی، در اواخر قرن نوزدهم ساخته شد. فردریش انگلس نیز از شکل دهندگان مهم به اندیشه مارکسیسم بوده است و مارکسیست ها با اصول کلی اندیشه او نیز موافق هستند. اساس مارکسیسم، آن طور که در «مانیفست کمونیست» (نوشته مارکس و انگلس) بیان شده است، بر این باور استوار است که تاریخ جوامع، تا کنون،

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است و در دنیای حاضر، دو طبقه، بورژوازی و پرولتاریا، وجود دارند که کشاکش این دو، تاریخ را رقم خواهد زد.

میان مارکسیست‌های مختلف، برداشت‌های بسیار متفاوتی از مارکسیسم و تحلیل مسائل جهان با آن موجود است اما موضوعی که تقریباً همه در آن توافق دارند: «واژگونی نظام سرمایه‌داری از طریق انقلاب کارگران و لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و لغو کار مزدی و ایجاد جامعه‌ای بی طبقه با مردمی آزاد و برابر و در نتیجه، پایان از خودبیگانگی انسان» است. (از خودبیگانگی‌ای که کمونیست‌ها معتقدند در جهان سرمایه‌داری ناگزیر و حتمی است مارکس و انگلس همانند بقیه سوسیالیست‌ها، تلاش کردند تا به کاپیتالیسم و سیستم‌هایی که در جهت به خدمت گرفتن کارگران پایه‌ریزی شده بودند خاتمه دهند. در حالی که سوسیالیست‌ها در آغاز راه به دنبال اصلاحات اجتماعی بلند مدت بودند، مارکس و انگلس معتقد بودند که انقلاب، اجتناب‌ناپذیر بوده و تنها مسیر ممکن برای رضایت مردم، حرکت به سوی سوسیالیسم و کمونیسم است.

Burguesia بورژوازی

مفهوم بورژوازی از زمان مارکس به بعد به معنای (طبقه حاکمه جامعه سرمایه‌داری) یعنی طبقه سرمایه‌داران و مالکان وسایل تولید، بورژوازی صفت دیگری نیز دارد که جامعه‌شناسان قرن یازدهم آنرا بکار می‌گرفتن توصیف زندگی اجتماعی سیاسی اروپا بود مفهوم بورژوازی طی تحولات و گذر تاریخ دچار تغییرات شده است. مفهوم ویژه و دقیق بورژوازی به طبقه‌ای از مردم در تاریخ اجتماعی اروپا اطلاق شده است که دارای ایدئولوژی و تفکر خاصی بودند و بورژوازی در مقابل اشرافیت قرار داشت .

Proletarius پرولتاریا

مارکس در کتاب «مانیفست کمونیست» (۱۸۴۸) تعریفی از پرولتاریا به دست میدهد: «مقصود از پرولتاریا طبقه کارگران مزدور جدیدی است که مالک هیچ وسیله تولیدی نیست و نیروی کار خود را برای تأمین زندگی میفروشد.»

پرولتاریا طبقه ای است از جامعه که هزینه زندگی خود را منحصراً از فروش نیروی کار خود بدست میآورد نه از منافع یک سرمایه، یعنی آن طبقه که خوشی و درد، زندگی و مرگ و تمامی افراد آن مربوط میبشد به وجود کار، پرولتاریا «مولد ارزش» بهشمار میرود اما سهمی از «ارزش» و «سود» نمیبرد. مارکسیسم تقابل این طبقه با بورژوازی را طبیعت تاریخ برمیشمرد. مارکس و انگلس پرولتاریا را تنها به معنای کارگران تهیدست صنعتی بکار میبردند، ولی در جریان انقلاب روسیه و به ویژه انقلاب چین که تکیهگاه عمده آن دهقانان بیزمین و تهیدست بود، مفهوم «پرولتاریای دهقانی» به عنوان نیروی متحد «پرولتاریای صنعتی» پدید آمد و جنبشهای انقلابی در جهان سوم، با نبود پرولتاریای صنعتی، تکیه گاه اصلی خود را «پرولتاریای دهقانی» قرار دادند. از دیدگاه مارکسیسم، پرولتاریا و بورژوازی در منصبهای ضد هم قرار دارند چون (برای مثال) در حالی که کارگران کارخانهها ناخودآگاه تمایل زیادی به افزایش حقوق دارند، صاحبان آنها برعکس دوست دارند حقوق پرداختی کارگران تا جای ممکن پایین باشد.

*پلورالیسم یا کثرت گرایی

پلورالیست‌ها جامعه را به مثابه مجموعه‌ای از افراد و گروه‌ها می‌بینند که در حال رقابت بر سر قدرت سیاسی هستند.

با این مقدمه دید ایشان نسبت به دولت، پدیده‌ای است بی‌طرفی که فقط به دنبال اعطای قدرت به آن دسته از افرادی است که مناصب را در رقابتی انتخاباتی از آن خود کرده‌اند. در سنت پلورالیستی، رابرت دال فردی بود که نظریه دولت به عنوان عرصه‌ای بی‌طرف را گسترش و توسعه داد که فضا را برای رقابت گروه‌های دیگر فراهم می‌آورد.

وقتی قدرت در یک جامعه به گونه‌ای رقابتی به دست آید، سیاست دولت نتیجه چانه زنی‌های مکرر خواهد بود.

گرچه پلورالیسم نیز به نابرابری میان افراد معتقد است ولی در صدد فراهم آوردن فرصت‌هایی برابر برای تمام گروه‌هاست تا بتوانند بر دولت فشار بیاورند و منافع خویش را تأمین کنند.

رویکرد پلورالیستی بیان می‌کند که فعالیت‌های دولت‌های مدرن دموکراتیک نتیجه فشارهایی است که توسط گروه‌های مختلف بر آن وارد شده‌است. دال چنین دولت‌هایی را دولت چند رهبری (پلیارشی) می‌نامد.

پلورالیسم بر این اساس که بر پایه مدارک تجربی مورد حمایت قرار نگرفته‌است، مورد نقد واقع شده و به چالش کشیده شده‌است.

{ناهید خوشنویس} {به نام خدا} {ارتباطات بین الملل}

با مطالعه‌ای انتقادی بر اکثریت بسیاری از مردمی که در مناصب حاکمیتی مشغول به کارند مشخص می‌شوند که بسیاری از ایشان متعلق به طبقه‌های ثروتمند جامعه است و این با هدف پلورالیسم که سعی در برآورده کردن منافع تمام گروه‌های جامعه دارد در تعارض است..